



معاونت امور زنان و خانواده  
ریاست جمهوری

تاسیس ۱۳۵۷

# بررسی جایگاه زنان در مناصب تصمیم‌گیری و مدیریتی در نظام جمهوری اسلامی ایران

معاونت برنامه ریزی و هماهنگی

فروردین ۱۳۹۶

شناسنامه سند

عنوان: بررسی جایگاه زنان در مناصب تصمیم‌گیری و مدیریتی در نظام  
جمهوری اسلامی ایران

شماره: ۱۳۹۶-ب-۵

تاریخ تنظیم: فروردین ۱۳۹۶

تدوین: لیلا احمدآبادی پور

آدرس: خیابان نجات الهی، بعد از چهار راه سپند، پلاک ۱۶۲

تلفن: ۸۸۸۹۷۷۷۳

فکس: ۸۸۳۸۶۰۱۱

ایمیل: [info@women.gov.ir](mailto:info@women.gov.ir)

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری می‌باشد. هرگونه تکثیر و نشر تمام یا بخشی از آن منوط به اجازه‌ی کتبی این معاونت است. نقل مطالب با ذکر مشخصات کامل اثر و نام معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری بلامانع است.

## به نام خدا

صفحه	فهرست مندرجات
۲	مقدمه:
۴	<p>۱. رویکرد اسناد بالادستی نظام نسبت به مدیریت زنان</p> <p>۱-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران</p> <p>۲-۱. قانون حمایت از حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های داخلی و بین المللی مصوب ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی</p> <p>۳-۱. سیاست اشتغال زنان در ج.ا.ا</p> <p>۴-۱. سیاستهای فعالیتهای بین المللی زنان</p> <p>۵-۱. منشور حقوق شهروندی ابلاغی رئیس جمهور در سال ۱۳۹۵</p> <p>۶-۱. بخشنامه ۲۰۰/۵۴۹۸۹ به کلیه وزارتخانهها و سازمانهای مستقل تحت نظر رییس جمهور مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵</p>
۶	<p>۲ . توصیف وضع موجود از نگاه آمار</p> <p>۱-۲. تعداد زنان داوطلب و منتخب درانتخابات ریاست جمهوری-۱۳۵۸-۱۳۹۶</p> <p>۲-۲. زنان مشاور و معاون رئیس جمهور ، وزیر و رئیس سازمانها-۱۳۷۰-۱۳۹۵</p> <p>۳-۲. تعداد زنان داوطلبین و منتخب درانتخابات دو مجلس خبرگان قانون اساسی و خبرگان رهبری</p> <p>۴-۲. تعداد زنان داوطلب و منتخب درانتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰-۱۳۵۸</p> <p>۵-۲. تعداد زنان داوطلب و منتخب درانتخابات شورای اسلامی شهر و روستا - ۱۳۷۷-۱۳۹۲</p> <p>۶-۲. تعداد فرمانداران، معاونین فرماندار و بخشداران زن -۱۳۹۴</p> <p>۷-۲. مقایسه تعداد دهیاران زن طی سومین و چهارمین دوره فعالیت شوراهای اسلامی شهر و روستا</p> <p>۸-۲. قضات زن کل کشور به تفکیک سمت های قضایی</p> <p>۹-۲. حضور زنان به عنوان افسر پلیس در نیروی انتظامی کشور</p> <p>۱۰-۲. مشارکت زنان در احزاب</p> <p>۱۱-۲. زنان شاغل ۱۰ ساله و بیش تر در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران به تفکیک گروه های عمده فعالیت اقتصادی در سال ۱۳۹۳</p> <p>۱۲-۲. سهم زنان در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران به تفکیک گروه های عمده فعالیت اقتصادی در سال ۱۳۹۳</p> <p>۱۳-۲. توزیع اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به تفکیک جنسیت برحسب مرتبه علمی-۹۴-۱۳۸۹</p> <p>۱۴-۲. وضعیت زنان از حیث شاخص مشارکت و توانمندی سیاسی در عرصه های بین المللی</p> <ul style="list-style-type: none"> <li>• مقایسه ایران با منتخبی از کشورها</li> <li>• جمع بندی</li> <li>• تحلیل/پیشنهادات</li> </ul>
۳۱	<p>۳ : اهم اقدامات انجام شده:</p> <p>۱-۳. اقدامات انجام شده در راستای عملیاتی نمودن برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده (مصوب هیات وزیران در سال ۱۳۹۲)</p>
۳۲	<p>۴. الزامات برای تغییر در وضع موجود و توسعه مشارکت زنان در نظام تصمیم گیری و مدیریتی</p>

## بسمه تعالی

### مقدمه:

در کشورهای در حال توسعه لزوم مشارکت زنان در توسعه سیاسی، شاخصی مهم در فرآیند توسعه پایدار جامعه محسوب می شود. امروزه زنان خواهان آن هستند که در مراحل مختلف برنامه ریزی و تصمیم گیری های استراتژیک و کلان ملی حضور جدی و فعال داشته باشند. رشد آگاهی های سیاسی- اجتماعی زنان، افزایش چشمگیر باسوادی و سطح تحصیلات و نیز توانمندی آنان ضرورت بهره گیری از توانایی های زنان را بیشتر می کند. در سال ۱۳۵۵ نرخ باسوادی زنان تنها ۳۶ درصد بود که در سال ۱۳۷۵ این نسبت به ۷۴ درصد و در سال ۱۳۹۰ به ۸۱ درصد رسیده است. موفقیت های دختران در المپیادهای مختلف علمی، ادبی، ورزشی و توانمندی های بالقوه روزافزون بانوان در عرصه های مختلف مدیریتی و هنری نشان دهنده خودباوری و آمادگی حضور قاطع زنان در صحنه اجتماع است. با این وجود علی رغم ارتقاء آگاهی و دانش و مهارت های تخصصی، هنوز هم زنان سهم قابل توجهی در سطوح کلان مدیریتی کشور ندارند. چرا که زنان برای دستیابی به مقامات بالای سیاسی، همواره دچار موانع اجتماعی، سیاسی، حقوقی، عرفی و فرهنگی بوده اند.

از میان عرصه های تصمیم گیری، سیاستگذاری و مدیریتی در سطح کلان؛ حضور زنان در شوراهای و مجلس شورای اسلامی، مشارکت و نقش آنان هم به عنوان رأی دهنده و هم به عنوان کاندیدای شرکت کننده در انتخابات، بسیار حایز اهمیت است و به عنوان شاخصی مهم در توسعه سیاسی جامعه بعد از انقلاب اسلامی اشاره می شود که زنان توانسته اند در سطوح کلان به آن دست یابند. یکی دیگر از شاخص های توسعه سیاسی تحزب و فعالیت حزبی است. احزاب به عنوان نهادهای مدنی در هر جامعه وظیفه سهم کردن افراد را در قدرت سیاسی کشور به عهده دارند. چگونگی فعالیت تشکیلاتی و حزبی در جامعه زنان به خوبی می تواند سطح فعالیت سیاسی و اثرگذاری زنان یک جامعه را در عرصه سیاست معین کند. به طور کلی عدم فعالیت حزبی زنان موجب می شود تا آنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور در زمینه اصلاح ساختار دولت و اداره کشور که کارکرد اصلی تحزب است منفعل بمانند.

از سوی دیگر فراهم سازی فرصت های برابر برای دستیابی زنان و مردان به سطوح مختلف فعالیت و مشارکت سیاسی در جامعه به عنوان یکی از ارکان حقوق شهروندی؛ زمینه ساز رشد و تعالی بر مبنای نظام شایسته سالاری خواهد شد.

انواع مشارکت سیاسی زنان را می توان در دو سطح طبقه بندی کرد:

الف) مشارکت در سطح توده که عبارتست از:

- شرکت در انتخابات و استفاده از حق رأی
  - شرکت در گروه ها و انجمن ها و احزاب سیاسی
  - شرکت در تجربه های اجتماعی (مانند خدمات انسان دوستانه، جنبش های اجتماعی، مذهبی و زیست محیطی و بهداشتی).
- ب) مشارکت در سطح نخبگان: این سطح از مشارکت معمولاً در مراتب تحصیلات عالی، آگاه، متخصص و با علاقه و تعهد اجتماعی است. حضور در وضعیت اخذ تصمیم برای جامعه مهم ترین ویژگی این سطح از مشارکت است. که عبارتست از:
- نمایندگی زنان در مجالس مقننه (تعداد نامزد انتخاباتی زن برای هر دوره)؛
  - شرکت در قوای مجریه سیاسی و چهار سطح خدمات ملی، اداری (وزیر، معاون وزیر، مدیر کل و رؤسای بخش)؛
  - شرکت در خدمات اداری دولتی: شاغلان در نظام دیوان سالاری، بخصوص در برخی وزارتخانه ها (مانند اقتصاد، وزارت امور خارجه و دفاع)؛
  - شرکت در خدمات بین المللی (حضور در نمایندگی های بین المللی)

مروری اسناد بالادستی همچون قانون اساسی و همچنین بسیاری از قوانین مانند قانون حمایت از مسئولیتهای زنان در عرصه داخلی و بین المللی حکایت از پذیرش موضوع مشارکت زنان در حیطه های مدیریتی و در سطوح مختلف عالی ، میانی و پایه دارد. با توجه به چنین رویکردی نسبت به ضرورت مشارکت زنان در عرصه های مختلف اجتماعی و سیاسی و همچنین اهمیت موضوع مشارکت زنان در حیطه های تصمیم گیری و مدیریتی به عنوان یک مطالبه عمومی از طرف زنان و یکی از شاخصهای مهم بین المللی در بیان وضعیت توسعه کشورها ضروری است به این مهم از سوی دست اندرکاران در حوزه قانون گذاری و اجرا توجه گردد. لازم به ذکر است که یکی از اهداف و برنامه های دولت یازدهم نیز افزایش مشارکت سیاسی و سهم زنان در مناصب مدیریتی پیش بینی شده بود. با توجه به موارد فوق و با هدف ارتقاء وضعیت زنان در این عرصه ، در این گزارش ضمن بررسی رویکرد نظام جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اسناد بالادستی ، جایگاه و سهم فعلی زنان را در مناصب مدیریتی و تصمیم گیری از نگاه آماری مورد بررسی قرار می دهیم. سپس ضمن نگاه مقایسه ای وضعیت مشارکت سیاسی زنان ایرانی نسبت به سایر کشورها ، به برخی از اقدامات انجام شده در دولت یازدهم و الزاماتی در جهت تغییر وضع موجود و حرکت به سوی توسعه مورد نظر قرار می گیرد.

## ۱. رویکرد اسناد بالادستی نظام نسبت به مدیریت زنان

### ۱-۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

اصل ۳: دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مندرج در اصل دوم ، همه امکانات خود را برای امور زیر به کاربرد:

بند ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.

بند ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی.

بند ۱۴- تأمین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

اصل ۲۰: همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.

### ۱-۲. قانون حمایت از حقوق و مسئولیت های زنان در عرصه های داخلی و بین المللی مصوب ۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی

...

بخش سوم: حقوق و مسئولیت های اجتماعی زنان

فصل اول: حقوق و مسئولیت های سلامت جسمی و روانی زنان

۴۹. حق مشارکت زنان در سیاست گذاری، قانون گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت در زمینه بهداشت و درمان، به ویژه در خصوص زنان؛

...

فصل دوم: حقوق و مسئولیت های فرهنگی و معنوی زنان

الف: فرهنگ عمومی

بند ۷۰ تصریح بر حق مشارکت بانوان در سیاست گذاری، قانون گذاری، اجراء و نظارت در امور فرهنگی به ویژه در خصوص مسائل زنان

ب: آموزش

۸۲. حق مشارکت بانوان در سیاستگذاری و تصمیم‌گیری و مدیریت‌های آموزشی، علمی و حضور فعال در مجامع فرهنگی - علمی داخلی و بین‌المللی

ج: پژوهش

۸۷. حق بهره‌مندی از حمایت در آثار علمی - پژوهشی زنان و گسترش مراکز تحقیقاتی با مدیریت زنان

...

### فصل چهارم: حقوق و مسئولیت‌های سیاسی زنان

الف: حقوق و مسئولیت‌های زنان در سیاست داخلی

...

۱۱۲. حق و مسئولیت کسب آگاهی و مشارکت و نقش‌آفرینی در تعیین مقدرات اساسی کشور جهت حفظ و تحکیم نظام اسلامی

۱۱۳. حق و مسئولیت مشارکت در امور جامعه و نظارت بر آن جهت هدایت جامعه بسوی معنویت و فضایل اخلاقی و پیراستن آن از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری

۱۱۴. حق آزادی قلم، بیان، اجتماعات با رعایت موازین

۱۱۵. حق تأسیس احزاب و دیگر تشکل‌های سیاسی و فعالیت در آن با رعایت حفظ استقلال کشور، وحدت ملی و مصالح نظام اسلامی

۱۱۶. حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن در مجلس یا شوراهای مختلف و مشارکت در برنامه‌ریزی‌های دولتی و تصدی مدیریت‌های عالی با رعایت موازین

ب: حقوق و مسئولیت‌های زنان در سیاست بین‌المللی

...

۱۱۷. حق و مسئولیت آگاهی از رویدادها و مسائل سیاسی جهان، به ویژه جهان اسلام.

۱۱۸. حق توسعه ارتباط و تبادل اطلاعات سیاسی سازنده بین بانوان ایران و جهان با رعایت مصالح ملی و ضوابط قانونی

۱۱۹. حق و مسئولیت حضور فعال و مؤثر در مجامع اسلامی، منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه در زمینه مسائل مربوط به زنان با رعایت ضوابط قانونی

۱۲۰. مسئولیت تلاش جهت تقویت همبستگی در میان زنان مسلمان و حمایت از حقوق زنان و کودکان محروم و مستضعف جهان

### ۱-۳. سیاست اشتغال زنان در ج.ا.ی

(مصوب دویست و هشتاد و هشتمین جلسه مورخ ۷۱.۵.۲۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی)

شماره ۱۹۶۲.دش - تاریخ ۷۱.۵.۲۶

...

ماده ۶ - تشویق بانوان تحصیلکرده و متخصص با تجربه به احراز سمتهای مدیریت و مشاغل ستادی، به منظور امکان استفاده از کارآیی آنها در سطوح عالی اجرایی

#### ۴-۱. سیاست‌های فعالیتهای بین‌المللی زنان

مصوب پانصد و شانزدهمین جلسه مورخ ۱۳۸۲/۰۲/۱۶ شورای عالی انقلاب فرهنگی

تاریخ ابلاغ: ۱۳۸۲/۰۲/۳۰ شماره ابلاغ: ۱۱۴۳/دش

سیاست‌های راهبردی:

...

۱۳- استفاده از توانمندی‌های زنان در سطوح مختلف مدیریت امور بین‌الملل و سیاست‌های خارجی نظام اسلامی.

#### ۵-۱. منشور حقوق شهروندی ابلاغی رئیس‌جمهور در سال ۱۳۹۵

...

ب- حق کرامت و برابری انسانی

ماده ۱۱- زنان حق دارند در سیاست‌گذاری، قانون‌گذاری، مدیریت، اجرا و نظارت، مشارکت فعال و تأثیرگذار داشته و بر اساس موازین اسلامی از فرصت‌های اجتماعی برابر برخوردار شوند.

#### ۶-۱. بخشنامه ۲۰۰/۵۴۹۸۹ به کلیه وزارت‌خانه‌ها و سازمان‌های مستقل تحت نظر رئیس‌جمهور مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵

در این بخشنامه وزراء و رؤسای سازمان‌های مستقل تحت نظر رئیس‌جمهور، موظف گردیده‌اند یکی از پست‌های سازمانی مشاور خود را در تشکیلات مصوب به عنوان مشاور امور زنان و خانواده تخصیص دهند و در ذیل آن‌ها سه پست سازمانی از محل پست‌های بدون متصدی دستگاه در نظر گرفته شود.

#### ۲. توصیف وضع موجود از نگاه آمار

##### ۲-۱. تعداد زنان داوطلب و منتخب در انتخابات ریاست جمهوری-۱۳۵۸-۱۳۹۶

همان‌طور که در جدول زیر مشاهده می‌شود، از دوره هفتم انتخابات ریاست جمهوری (به جز دوره هشتم) تا کنون، در میان زنان، داوطلبانی جهت حضور در انتخابات ریاست جمهوری اعلام آمادگی کرده‌اند. تعداد زنان داوطلب در دوره هفتم ۱۱ نفر، در دوره نهم ۹۳ نفر، در دوره دهم ۴۳ نفر و در دوره یازدهم ۳۰ نفر و در دوره دوازدهم ۱۳۷ نفر بوده است.

##### تعداد زنان داوطلب و منتخب در انتخابات ریاست جمهوری

دوره	تاریخ برگزاری	تعداد داوطلبین زن	تعداد منتخبین زن کشور
۱	۵/۱۱/۵۸	-	.
۲	۲/۵/۶۰	-	.
۳	۱۰/۷/۶۰	-	.
۴	۲۵/۵/۶۰	-	.
۵	۶/۵/۶۸	-	.

دوره	تاریخ برگزاری	تعداد داوطلبین زن	تعداد منتخبین زن کشور
۶	۷۲/۳/۲۱	—	۰
۷	۷۶/۳/۲	۱۱	۰
۸	۸۰/۳/۱۸	—	۰
۹	۸۴/۳/۲۷	۹۳	۰
۱۰	۸۸/۳/۲۲	۴۳	۰
۱۱	۹۲/۳/۲۴	۳۰	۰
۱۲	۹۶/۲/۲۹	۱۳۷	۰
جمع		۳۱۴	۰

ماخذ: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری

## ۲-۲. زنان مشاور و معاون رئیس جمهور، وزیر و رئیس سازمانها-۱۳۷۰-۱۳۹۵

در این جدول آمار زنانی که به عنوان مشاور و معاون رییس جمهور، وزیر و یا سفیر زن در سطوح ارشد مدیریتی در نهاد ریاست جمهوری و در دولت از سال ۱۳۷۰ (دولت پنجم) تاکنون فعالیت داشته اند ذکر شده است.<sup>۱</sup>

سمت	دولت پنجم	دولت ششم	دولت هفتم	دولت هشتم	دولت نهم	دولت دهم	دولت یازدهم	جمع کل
مشاور رئیس جمهور	۱	۱	۳	۳	۲	۱		۱۱
معاون رئیس جمهور			۱	۱	۱	۳	۴	۱۰
وزیر						۱		۱
سفیر							۱	۱
روسای نهاد ها، سازمان ها و مراکز					۱	۱	۸	۱۰
معاونین وزراء و همتران				۲	۲	۲	۱۰	۱۶

ماخذ: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری؛ ۱۳۹۵

## ۲-۳. تعداد زنان داوطلبین و منتخب در انتخابات دو مجلس خبرگان اساسی و خبرگان رهبری

بعد از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران دو مجلس خبرگان قانون اساسی و خبرگان رهبری شکل گرفته اند: الف) مجلس خبرگان قانون اساسی: این مجلس برای تدوین قانون اساسی ج.ا.ایران در ابتدای انقلاب اسلامی به فرمان امام خمینی (ره) تشکیل شد و اولین جلسه آن در ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ برگزار گردید و پس از تدوین و بررسی و نهایی قانون اساسی، کار آن در تاریخ ۲۶ آبان ۱۳۵۸ به پایان رسید. در میان ۷۲ عضو این مجلس یک زن<sup>۲</sup> به عنوان عضو مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شده و در جلسات حضور داشت. ب) مجلس خبرگان رهبری: که برای انتخاب و نظارت بر کار رهبر ج.ا.ایران تشکیل گردید.<sup>۳</sup>

۱ - البته برخی از زنان در مناصب عالی مدیریتی از جمله خانم سلطانه‌خواه، خانم دستجردی و خانم امین زاده، یک دوره چهارساله را به اتمام رساندند.

۲ - خانم منیره گرجی فرد



با توجه به جایگاه مهم و اثر گذار مجلس خبرگان رهبری در تصمیم گیریهای کلان و نقش این مجلس در انتخاب رهبر، ارائه نظرات مشورتی به رهبری، نظارت کلان و عملیاتی بر پروژه های راهبردی نظام و... حضور زنان در این مجلس می تواند در تقویت جایگاه زنان در مناصب تصمیم سازی و تصمیم گیری موثر باشد.

#### تعداد زنان داوطلب و منتخب درانتخابات مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴

دوره	تاریخ برگزاری	تعداد داوطلبین زن	تعداد منتخبین زن
اول	۱۳۶۱/۹/۱۹	-	-
دوم	۱۳۶۹/۶/۶	-	-
سوم	۱۳۷۷/۷/۱	-	-
چهارم	۱۳۸۵/۹/۲۴	-	-
پنجم	۱۳۹۴/۱۲/۷	۱۶	-

ماخذ: معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری؛ ۱۳۹۵

#### ۲-۴. تعداد زنان داوطلب و منتخب درانتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰-۱۳۵۸

بررسی سه دوره دوم، سوم و چهارم انتخابات مجلس شورای اسلامی نشان می دهد که از میان زنان داوطلب در انتخابات مجلس به ترتیب ۱۴ درصد، ۸ درصد و ۱۱ درصد از سد انتخابات عبور کرده و صاحب کرسی شدند. در دوره پنجم شرکت ۴ برابری نامزدهای زن نسبت به دوره قبل (۳۲۰ نامزد در دوره پنجم نسبت به ۸۱ نامزد در دوره چهارم) نشان از تمایل زنان به حضور و مشارکت فعال در انتخابات داشته است. اما در مجلس ششم نسبت به مجلس پنجم تنها ۱/۵ برابر بیشتر مشارکت صورت گرفته است (۵۱۳ داوطلب در مجلس ششم در مقایسه با ۳۲۰ داوطلب در مجلس پنجم)<sup>۴</sup>. این درحالیست که با وجود رشد زنان شاغل و حضور پررنگ آنان، این رقم می بایست رشد صعودی داشته باشد. در دوره ششم فقط ۱۱ زن که در مجموع ۴ درصد از کل نمایندگان را تشکیل می دادند به مجلس راه یافتند. در دوره هفتم ۱۲ زن برابر با ۴.۲۵ درصد از کل نمایندگان و در دوره هشتم با سیر نزولی این تعداد به ۸ نفر تقلیل یافت که در مجموع ۲.۸ درصد از کل نمایندگان را تشکیل می دادند. در دوره نهم تعداد زنان نماینده مجلس ۹ نفر بودند که سهم ۳.۱۴ درصدی از کل نمایندگان را تشکیل می دادند. در دوره دهم این تعداد به ۱۷ نفر افزایش پیدا کرد که منجر به ارتقای سهم به ۵.۹ درصدی زنان از کرسی های مجلس شد.

#### تعداد زنان داوطلب و منتخب درانتخابات مجلس شورای اسلامی ۱۳۹۰-۱۳۵۸

دوره	تاریخ برگزاری	تعداد داوطلبین زن	تعداد منتخبین زن کشور
۱	۵۸/۱۲/۲۴	۶۶	۲
۲	۶۳/۱/۲۶	۲۸	۴
۳	۶۷/۱/۱۹	۳۷	۳
۴	۷۱/۱/۲۱	۸۱	۹

۳ - بر اساس اصل ۱۱۱ قانون اساسی " هرگاه رهبر از انجام وظایف قانونی ناتوان شود یا فاقد یکی از شرایط مذکور در اصول پنجم و یکصد و نهم گردد یا معلوم شود از آغاز فاقد بعضی از شرایط بوده است از مقام خود برکنار خواهد شد . تشخیص این امر به عهده خبرگان مذکور در اصل یکصد و هشتم می باشد

.....

۱. توسلی (۱۳۹۴)

دوره	تاریخ برگزاری	تعداد داوطلبین زن	تعداد منتخبین زن کشور
۵	۷۴/۱۲/۱۸	۳۲۰	۱۰
۶	۷۸/۱۱/۲۹	۵۱۳	۱۱
۷	۸۲/۱۲/۱	۸۲۸	۱۲
۸	۸۶/۱۲/۲۴	۶۱۱	۸
۹	۹۰/۱۲/۱۲	۲۴۹	۹
۱۰	۹۴/۱۲/۷	۱۲۳۴	۱۷
جمع		۳۹۶۷	۸۵

مأخذ: مرکز آمار ایران به نقل از وزارت کشور، دفتر انتخابات

همان طور که در جدول زیر مشاهده می شود، به طور کلی سهم زنان نماینده مجلس در میان کل نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی دوره های اول تا نهم از کمتر از ۱ درصد تا ۴.۲۵ درصد در نوسان بوده است و در دوره دهم با دو برابر شدن تعداد زنان در مجلس شورای اسلامی مواجه هستیم. هم چنین در این دوره تعداد کاندیداهای زن از ۸ درصد به ۱۱ درصد افزایش یافته است.

#### سهم زنان از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تعداد نمایندگان در هر دوره به تفکیک جنس ۱۳۵۸-۱۳۹۰

جنس	دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم	دوره پنجم	دوره ششم	دوره هفتم	دوره هشتم	دوره نهم	دوره دهم
مرد و زن	۲۳۱	۲۴۶	۲۵۵	۲۶۱	۲۴۹	۲۷۸	۲۸۲	۲۸۴	۲۸۶	۲۹۰
مرد	۲۲۹	۲۴۲	۲۵۲	۲۵۲	۲۳۹	۲۶۷	۲۷۰	۲۷۶	۲۷۷	۲۷۳
زن	۲	۴	۳	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۸	۹	۱۷
سهم زنان (درصد)	۱.۷	۱.۶۲	۱.۵۶	۳.۴۴	۴.۰۱	۳.۹۵	۴.۲۵	۲.۸۱	۳.۱۴	۵.۸۶

مأخذ: مرکز آمار ایران به نقل از وزارت کشور، دفتر انتخابات

#### ۵-۲. تعداد زنان داوطلب و منتخب در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا - ۱۳۷۷-۱۳۹۲

شوراهای اسلامی شهر و روستا از نخستین دوره آغاز به کار خود تاکنون که در دوره چهارم بسر می بریم، میزبان حضور زنانی بوده اند که از سوی جامعه محلی خود برگزیده شده و راهی شوراهای اسلامی شهر و روستا شده اند. بر اساس آمارهای موجود در وهله نخست حضور زنان در شوراهای مستمر بوده و در ۴ دوره پایدار بوده است. اما از آنجایی که تعداد زنان در قیاس با مردان بسیار کمتر بوده، زنان عضو آن شوراهای اقلیتی محسوب می شوند که در سایه اکثریت قاطع و دائمی مردان جولان عمل قابل توجهی نداشته اند. براساس آمار موجود، تعداد داوطلبین به تفکیک جنس در ۴ دوره شوراهای شهر و روستا بدین قرارند:

#### تعداد زنان داوطلب و منتخب در انتخابات شورای اسلامی شهر و روستا - ۱۳۷۷-۱۳۹۲

تاریخ برگزاری	تعداد داوطلبین زن	تعداد منتخبین زن کشور
۷۷/۱۲/۷	۷۲۷۶	۱۳۷۵
۸۱/۱۲/۹	۵۸۶۷	۲۳۳۶

۱۴۱۰	۷۱۲۹	۸۵/۹/۲۴
۶۰۹۶	۱۲۰۹۶	۹۲/۳/۲۴
۱۱۲۱۷	۳۲۳۶۸	جمع

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۹۳

دوره اول زنان با ۷ هزار و ۲۷۶ نفر از کل ۳۳۶ هزار و ۱۳۸ نفر در کل کشور با سهم اندکی معادل ۲.۲ درصد در برابر داوطلبان مردی قرار گرفتند که با ۳۲۸ هزار و ۸۶۲ نفر شرکت کننده با سهمی معادل ۹۷.۸ درصد با اکثریت قاطع در عرصه شوراهای شهر و روستا حضور یافتند. انتخابات دوره دوم شوراها نیز با کاهش نسبی تعداد شرکت کنندگان اعم از زن و مرد برگزار شد. در این دوره تعداد زنان داوطلب ۵ هزار و ۸۶۷ نفر از کل ۲۱۸ هزار و ۹۵۷ نفر بوده که با سهم ناچیزی معادل ۲.۷ درصد حضور یافتند. در مقابل مردان با ۲۱۳ هزار و ۹۰ تعداد نفر که مؤید حضور اکثریتی مردان با سهمی معادل ۹۷.۳ درصد در دوره دوم است. دوره سوم تعداد داوطلبین هم در میان مردان و هم در میان زنان افزایش یافته است. در این دوره زنان با ۷ هزار و ۱۲۹ نفر از کل ۲۴۷ هزار و ۷۵۹ نفر در کل کشور با سهمی معادل ۲.۹ درصد حضور یافتند. در این دوره نیز مردان با ۲۴۰ هزار و ۶۲۸ داوطلب با سهمی معادل ۹۷.۱ درصد همچنان در اکثریت هستند. دوره چهارم شوراهای اسلامی شهر و روستا نیز با افزایش تعداد داوطلبان از هر دو جنس زن و مرد برگزار شد. در این دوره تعداد زنان داوطلب ۱۲ هزار و ۹۶ نفر از ۲۵۹ هزار و ۶۶۴ نفر از کل کشور با سهمی معادل ۴.۷ درصد رشد بی نظیری را در کل چهار دوره برگزاری انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا تجربه کرده اند. در این دوره مردان با ۲۴۷ هزار و ۵۶۸ نفر داوطلب در کشور با سهمی معادل ۹۵.۳ درصد همچنان با اکثریت قاطع در شوراهای اسلامی شهر و روستا حضور دارند.<sup>۵</sup>

#### تعداد زنان منتخب شورای اسلامی تشکیل شده در دوره اول تا دوره چهارم

دوره اول	دوره دوم	دوره سوم	دوره چهارم (۹۶-۹۲)	کل کشور
۱۳۷۵	۲۳۳۶	۱۴۹۱	۶۰۹۶	

بیشترین تعداد زن منتخب در شورای اسلامی شهر و روستا در دوره چهارم به ترتیب مربوط به استان های کرمان، سیستان و بلوچستان، گیلان و مازندران می باشند.

شرح	دوره چهارم (۹۶-۹۲)	دوره سوم (۹۲-۸۵)	دوره دوم (۸۵-۸۱)	دوره اول (۸۱-۷۷)
تعداد کل	۱۷۹۳۱۵	۱۰۹۱۳۶	۱۵۵۳۱۹	۱۶۳۹۸۰
سهم مردان	۹۶.۶	۹۸.۶	۹۸.۴	۹۹.۱
سهم زنان	۳.۳۹	۱.۳۶	۱.۵۰	۰.۸۳

مأخذ: سالنامه آماری کشور ۱۳۹۳

سهم زنان از منتخبین شوراهای اسلامی شهر و روستا از ۰.۸۳ درصد در دوره اول به ۱.۵ درصد در دوره دوم، ۱.۳۶ درصد در دوره سوم و نهایتاً به ۳.۳۹ درصد در دوره چهارم، افزایش یافته است. لازم به ذکر است در آستانه برگزاری انتخابات پنجمین دوره شورای اسلامی شهر و روستا و پایان زمان ثبت نام تعداد کاندیداهای زن از ۴.۲ به ۶.۳ درصد افزایش یافته است.

۱. اداره انتخابات وزارت کشور (۱۳۹۳) و سازمان شهرداری ها و دهیاری های وزارت کشور (۱۳۹۳)

## ۲-۶. تعداد فرمانداران، معاونین فرماندار و بخشداران زن - ۱۳۹۴

به منظور ترسیم جایگاه و نقش زنان در حوزه مدیریت شهری و روستایی در اسناد بالادستی نگاهی به قانون اساسی و قانون شوراها، سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی ابلاغی برنامه‌های توسعه کشور و قانون برنامه پنجم کرده و مشاهده می‌شود که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم در این قوانین توجه کافی به موضوع مشارکت زنان در تحقق توسعه پایدار شهری و روستایی شده است ولی شرط اصلی آنست که این قوانین به درستی اجرایی شوند.

### تعداد فرمانداران، معاونین فرماندار و بخشداران زن - ۱۳۹۴

ردیف	نام و نام خانوادگی	تعداد (نفر)
۱	فرمانداران	۳
۲	معاون فرماندار	۵
۳	بخشداران	۲۴

ماخذ: بانک اطلاعاتی معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری-۱۳۹۵

همانطور که در جدول فوق مشاهده می‌شود در حال حاضر در کشور ۳ زن فرماندار مشغول فعالیت هستند حال اگر بخواهیم سهم زنان را از ۴۲۸ فرمانداری کشور در نظر بگیریم، ملاحظه خواهیم نمود که زنان ۰.۹٪ یعنی کمتر از ۱٪ از پست‌های فرمانداری کل کشور را به خود اختصاص داده‌اند.

از طرف دیگر با نگاهی به آمار بخشداری‌های کل کشور در می‌یابیم که سهم زنان از ۱۰۵۸ منصب بخشداری، فقط ۲۴ بخشدار می‌باشد یعنی حدود ۲.۲۶٪ از کل پست‌های مدیریت در این حوزه به زنان اختصاص دارد.

## ۲-۷. مقایسه تعداد دهیاران زن طی سومین و چهارمین دوره فعالیت شوراهای اسلامی شهر و روستا

مهمترین اسناد بالادستی که ساختار مدیریت روستایی باید مطابق با این قوانین حرکت نماید و میزان مشارکت تمام اقشار جامعه روستایی در آن تعیین شده؛ ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ۲- قوانین شوراها مصوب ۱۳۷۵، ۳- قانون دهیاری‌ها می‌باشد و در این میان قانون اساسی خط‌دهنده و تعیین‌کننده دیگر قوانین می‌باشد. در قانون اساسی در قسمت اصول کلی صراحتاً به مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت خود در تمامی حیطه‌ها تأکید می‌شود همچنین به حقوق برابر و یکسان همه اقشار جامعه تأکید شده است. پس توجه قانون اساسی به مشارکت تمام اقشار در حیطه‌های مختلف کافی بوده و دست قانونگذار را در تدوین دیگر قوانین باز گذاشته است. یکی از مهمترین اسنادی است که زمینه مشارکت مردم روستا را در تعیین سرنوشت خود و مدیریت روستای خویش باز گذاشته، قوانین شوراها مصوب ۱۳۷۵ است که در ماده ۱۷ این قانون به رای مستقیم تمام افراد روستا چه مرد و چه زن تأکید شده و تفاوتی بین زنان و مردان وجود ندارد و رای همه دارای ارزش یکسان می‌باشد. همچنین شرایط کاندیدا شدن برای مردان و زنان یکسان بوده و همه می‌توانند ثبت نام کنند. در قسمت وظایف و اختیارات شوراها نیز بیان شده است که اعضای شورا باید زمینه مشارکت مردم در حیطه‌های مختلف را فراهم نمایند.

البته در قانون دهیاری‌ها میزان توجه به مشارکت اقشار جامعه روستایی بسیار کم و به طور غیر مستقیم دیده شده به عنوان مثال تنها زمینه مشارکت مردم در مدیریت روستا انتخاب دهیار آن هم به طور غیر مستقیم و از طرف اعضای شورا می‌باشد. که این اصلاح و بازنگری در قوانین دهیاری‌ها را می‌طلبد.

دهیاری‌ها عرصه مهم دیگری هستند، که برای نقش آفرینی زنان در عرصه تصمیم‌گیری عمومی در روستا زمینه لازم را فراهم کرده‌اند. دهیاری نهاد عمومی غیردولتی محسوب می‌شود که دارای شخصیت حقوقی مستقل است و بصورت خودکفا اداره می‌شود. بر

اساس آمارهای موجود تعداد دهیاران زن از دوره نخست تاکنون که در دوره چهارم قرار داریم، با شیب قابل ملاحظه‌ای رو به افزایش بوده‌است.

بدین ترتیب، تعداد زنان دهیار در دوره نخست (۱۳۸۴) به میزان ۱۵۰ نفر از کل ۱۱ هزار دهیار در کل کشور با سهمی معادل ۱.۴ درصد، در دوره دوم (۱۳۸۷) به ۴۰۰ نفر از کل ۲۱ هزار دهیار در کشور با سهمی معادل ۱.۹ درصد در دوره سوم (۱۳۹۱) ۸۸۸ نفر دهیار در میان ۲۴ هزار و ۶۲۷ دهیار با سهمی معادل ۳.۶ درصد و در آغاز دوره چهارم (۱۳۹۳) نیز یک هزار و ۵۲۳ زن دهیار از ۲۹ هزار و ۷۹۲ دهیار در کل کشور با سهمی معادل ۵.۲ درصد حضور داشته‌اند.

بنابراین حضور زنان به عنوان دهیار در طول سال‌های متمادی افزایش داشته‌است. این افزایش در دوره دوم و سوم یعنی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ و از سال ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۱ بیش از ۲ برابر بوده‌است.

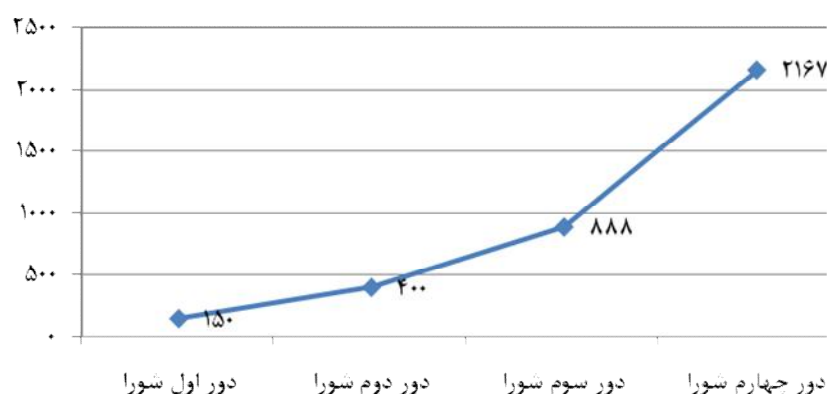
در دولت یازدهم زنان روستایی توانسته‌اند نقش مهمی در عرصه دهیاری داشته باشند؛ به طوری که در سومین دوره شورا‌های اسلامی روستا شاهد حضور ۸۸۸ نفر دهیار زن بوده‌ایم که این رقم در انتهای دوره چهارم فعالیت شورا‌های اسلامی شهر و روستا با ۱۴۴ درصد رشد نسبت به دوره سوم، به ۲۱۶۷ نفر دهیار زن افزایش یافته‌است.

#### مقایسه تعداد دهیاران زن طی سومین و چهارمین دوره فعالیت شوراهای اسلامی شهر و روستا

ردیف	نام استان	تعداد دهیاران زن در دوره سوم شوراهای اسلامی شهر و روستا	تعداد دهیاران زن در آغاز دوره چهارم شوراهای اسلامی شهر و روستا	تعداد دهیاران زن در پایان دوره چهارم شوراهای اسلامی شهر و روستا
	جمع کل دهیاران زن	۸۸۸	۱۵۲۳	۲۱۶۷

ماخذ: وزارت کشور (آبان ۱۳۹۴)، گزارش کارگروه توسعه سیاسی ذیل شورای برنامه ریزی امور عمومی، سیاست داخلی، ارتقاء سرمایه اجتماعی.

#### نمودار تعداد دهیاران زن به تفکیک دوره‌های فعالیت شوراهای اسلامی



#### ۸-۲. قضات زن کل کشور به تفکیک سمت های قضایی

آمار قضات زن کل کشور به تفکیک سمتهای قضائی-۱۳۹۵

دادبار	مشاور قضایی	معاون دادستان	معاون قضایی	جمع کل
۴۲۲	۸۶	۷	۱۳	۵۲۸

در حال حاضر بر اساس گزارشات اعلامی از سوی قوه قضاییه، بانوان کشور در سمت‌های مختلف قضایی اعم از دادیار، دادیار اظهار نظر، دادیاران نظارت بر زندانها، دادیاران اجرای احکام، معاون دادستان، بازپرس، مشاور دادگاه خانواده، سرپرست دادرهای اطفال و نوجوانان، سرپرست اداره سرپرستی و امور محجورین، مستشار دادگاه تجدید نظر، مستشاران دیوان عدالت اداری، مستشاران اداره حقوقی قوه قضاییه و دادیار دیوان عالی کشور در دستگاه قضا مشغول می‌باشند.

#### آمار قضات زن حوزه های ستادی به تفکیک سمتهای قضایی-۱۳۹۵

استان محل خدمت	دادبار نظامی	مستشار قضایی	جمع کل
حوزه ریاست قوه قضائیه	-	۱	۱
دیوان عدالت اداری	-	۴	۴
معاونت حقوقی و توسعه قضایی	-	۶	۶
حوزه نظارت قضایی ویژه	-	۱	۱
سازمان قضایی نیروهای مسلح	۱	-	۱
جمع کل	۱	۱۱	۱۳

#### ۲-۹. حضور زنان به عنوان افسر پلیس در نیروی انتظامی کشور

- در حال حاضر قریب به ۷۲۰۰ نفر از کارکنان نیروی انتظامی را زنان شامل می‌شوند. همه ساله تعدادی پلیس زن وارد مجموعه نیروی انتظامی شده و این افراد در یگان‌های مورد نیاز و هم‌چنین یگان‌های مورد علاقه خود؛ نظیر پلیس راهور، معاونت اجتماعی، پلیس پیشگیری و غیره جذب و مشغول به فعالیت می‌شوند و متناسب با هر یک از این یگان‌ها آموزش‌های تخصصی نیز به آنها داده می‌شود.
- پلیس زن نقش قابل توجهی در حوزه‌های مختلف؛ خصوصاً پیشگیری از جرایم داشته است؛ به عنوان مثال در بسیاری از پرونده‌هایی که به کلانتری‌ها ارجاع شده، پلیس زن با مشاوره و ارائه راهکارهای منطقی منجر به صلح و سازش این پرونده‌ها شده و از وارد شدن بار سنگینی به دستگاه قضایی و پلیس جلوگیری کرده است.

#### ۲-۱۰. مشارکت زنان در احزاب

طبق آمار در مجموع ۱۷ حزب و تشکل سیاسی زنان در کشور فعالیت دارند و احزاب در کشور به سه گروه تشکل‌های سیاسی زنان، احزاب اصلاح‌طلب و احزاب اصولگرا تقسیم می‌شوند. در برخی احزاب هیچ زنی در ارکان اصلی آن‌ها چون هیئت موسس، شورای مرکزی، دفتر سیاسی و غیره وجود ندارد و در برخی از آنها تنها یک زن به عنوان نماینده زنان در هیئت موسس و شورای مرکزی وجود دارد.

این باور در محافل سیاسی جهان وجود دارد که زنان پس از کسب قدرت، سخت‌کوش‌تر از سابق به فعالیت می‌پردازند و همین موجب جامعه‌پذیری و اعتماد احزاب و گروه‌ها به آن‌ها می‌شود. از سوی دیگر به دلیل انعطاف‌پذیری و خودداری از خشونت که اغلب ویژگی مشترک زنان است تأثیر کاملاً مثبتی هم برای نهادهای سیاسی و هم به منظور تأمین نیازهای جامعه به جای گذاشته‌اند.

فهرست احزاب زنان بر اساس آخرین آمار وزارت کشور در سال ۱۳۹۴ که از کمیسیون ماده ده مجوز دریافت کرده اند:

- ۱- انجمن روزنامه نگاران زن ایران (رزا)
- ۲- جامعه زینب (س)
- ۳- جامعه زنان انقلاب اسلامی
- ۴- جامعه اسلامی زنان اصفهان
- ۵- جامعه فاطمیون
- ۶- جمعیت زنان جمهوری اسلامی
- ۷- جمعیت زنان انقلاب اسلامی
- ۸- جمعیت زنان پیرو راه حضرت زهرا (س)
- ۹- جمعیت حمایت از حقوق بشر زنان
- ۱۰- جمعیت زنان مسلمان
- ۱۱- جمعیت پیروان زینب (س)
- ۱۲- جمعیت زنان پیام اور
- ۱۳- جمعیت زنان مسلمان نواندیش (ایران)
- ۱۴- حزب زنان جمهوری اسلامی
- ۱۵- کانون تبادل اطلاعات زنان
- ۱۶- کانون اسلامی بانوان خراسان
- ۱۷- مجمع اسلامی بانوان

نتایج تحقیقات داخلی در سال ۱۳۸۱ در خصوص مشارکت مدنی زنان نشان می دهد شرکت در سازمان های صنفی و کارگری، غیردولتی، گروه ها و احزاب سیاسی و تعاونی ها در کشور بسیار پایین است و بین میانگین ۱/۲ تا ۱/۵ درصد در نوسان است و کمتر از ۱ درصد زنان در سطح بالای مشارکت مدنی قرار دارند و ۹۲ درصد مشارکت مدنی در سطح پایین دارند. فقط ۲/۴ درصد زنان مورد مطالعه مشارکت سیاسی خاص در سطح بالا دارند که بصورت شرکت در احزاب و گروه های سیاسی، ستادهای انتخاباتی، مقاله نویسی، سخنرانی، تحصن، اعتصاب و.. می باشد. ۳ درصد مشارکت در حد متوسط و ۹۵ درصد مشارکت در سطح پایین دارند.<sup>۶</sup> طرح ملی بررسی مشارکت سیاسی زنان در ۲۸ مرکز استان کشور در سال ۱۳۸۴ نیز حاکی از آن بود که مشارکت مدنی زنان در کشور بسیار پایین است. تنها ۲/۴ درصد زنان در سازمان های غیردولتی، ۱/۵ درصد در احزاب سیاسی و ۰/۵ درصد در تعاونی ها حضور دارند و کثیری از زنان هیچگونه مشارکت مدنی و سیاسی ندارند و درصد زنانی که عدم مشارکت سیاسی دارند از مردان بالاتر است. با بالا رفتن تحصیلات سطح مشارکت عام که شرکت در انتخابات، تظاهرات، جلسات مذهبی و فعالیت های جمعی است کاهش می یابد و مشارکت خاص افزایش می یابد.<sup>۷</sup>

## ۲-۱۱. زنان شاغل ۱۰ ساله و بیش تر در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران به تفکیک گروه های عمده فعالیت اقتصادی در سال ۱۳۹۳

۱. ماشینی، فریده (۱۳۹۴) به نقل از شادی طلب (۱۳۸۱)

۲. ماشینی، فریده (۱۳۹۴، ۱۳۹)

مرکز آمار ایران، گروه های عمده شغلی را در ۹ گروه به تفکیک قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران؛ متخصصان؛ تکنسین ها و دستیاران؛ کارمندان امور دفتری و اداری؛ کارکنان خدماتی و فروشندگان فروشگاه ها و بازارها؛ کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری؛ صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط؛ متصدیان (پراتورهای) ماشین آلات و دستگاه ها، مونتاژکارها و رانندگان وسایل نقلیه؛ کارگران ساده طبقه بندی کرده است. جدول زیر نشان دهنده تعداد شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر به تفکیک جنس در گروه عمده شغلی اول یعنی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران و سهم زنان و مردان از این گروه عمده شغلی به تفکیک سال های برنامه چهارم و پنجم توسعه و همچنین به تفکیک مناطق شهری و روستایی می باشد.

همانطور که در جدول زیر مشاهده می شود، سهم زنان از گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران در کل کشور، طی سال های ۹۳-۱۳۸۴ روندی نوسانی داشته است. به طوری که کمترین سهم مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۱۱.۸ درصد و بیشترین سهم مربوط به سال ۱۳۹۳ با ۱۸.۲ درصد می باشد. این شاخص در مناطق شهری نیز طی سال های ۹۳-۱۳۸۴ دارای روند نوسانی بوده است. به طوری که کمترین سهم زنان از این گروه شغلی مربوط به سال ۱۳۸۸ با ۱۱.۸ درصد و بیشترین سهم مربوط به سال ۱۳۹۳ با ۱۹.۱ درصد می باشد.

این اطلاعات آماری نشان دهنده مشابهت وضعیت کل کشور با مناطق شهری می باشد. اما در مناطق روستایی وضعیت متفاوت است. علی رغم این که سهم زنان از این گروه شغلی طی سال های ۹۳-۱۳۸۴، در مناطق روستایی نیز مانند مناطق شهری و کل کشور دارای روند نوسانی بوده است؛ اما کمترین سهم زنان مربوط به سال ۱۳۸۷ با ۶.۴ درصد و بیشترین سهم مربوط به سال ۱۳۸۶ با ۱۲.۵ درصد می باشد. به طور کلی سهم زنان از گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران، در مناطق روستایی کمتر از سهم زنان از این گروه شغلی در مناطق شهری می باشد.



شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر برحسب جنس در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران : آبان ۱۳۹۰  
به تفکیک جنس و مناطق شهری و روستایی

زن		مرد			مرد و زن		گروههای عمده شغلی	
درصد از گروههای عمده شغلی	درصد از زن	تعداد	درصد از گروههای عمده شغلی	درصد از مرد	تعداد	درصد از مرد و زن		
۱۳.۲	۱۰۰.۰	۲۷۱۲	۸۶.۸	۱۰۰.۰	۱۷۸۳۵	۱۰۰.۰	۲۰۵۴۷	جمع
								قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران
۱۶.۹	۴.۶	۱۲۶	۸۳.۱	۳.۵	۶۲۰	۳.۶	۷۴۶	متخصصان
۴۴.۹	۲۹.۹	۸۱۱	۵۵.۱	۵.۶	۹۹۶	۸.۸	۱۸۰۷	تکنیسین ها و دستیاران
۲۱.۰	۸.۶	۲۳۴	۷۹.۰	۴.۹	۸۸۰	۵.۴	۱۱۱۴	کارمندان امور اداری و دفتری
۲۸.۶	۹.۲	۲۵۰	۷۱.۵	۳.۵	۶۲۴	۴.۲	۸۷۳	کارکنان خدماتی و فروشندگان
۹.۹	۸.۵	۲۳۰	۹۰.۰	۱۱.۷	۲۰۹۰	۱۱.۳	۲۳۲۱	کارکنان ماهر کشاورزی، جنگلداری و شیلات
۱۳.۸	۱۸.۳	۴۹۶	۸۶.۲	۱۷.۳	۳۰۸۷	۱۷.۴	۳۵۸۳	صنعتگران و کارکنان مشاغل مربوط
۸.۰	۱۰.۳	۲۸۰	۹۲.۰	۱۸.۰	۳۲۰۹	۱۷.۰	۳۴۸۹	متصدیان (اپراتورها) ماشین الات و دستگاهها و رانندگان وسایل نقلیه
۱.۶	۱.۴	۳۷	۹۸.۴	۱۲.۴	۲۲۰۸	۱۰.۹	۲۲۴۵	کارگران ساده
۴.۱	۴.۸	۱۳۰	۹۵.۹	۱۶.۹	۳۰۰۸	۱۵.۳	۳۱۳۸	سایر و اظهار نشده
۹.۶	۴.۴	۱۱۸	۹۰.۴	۶.۲	۱۱۱۲	۶.۰	۱۲۳۰	

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود ۵۵.۱ درصد از متخصصان را مردان و ۴۴.۹ درصد را زنان تشکیل می دهند. یعنی نسبت متخصصان مرد به زن حدود ۵۵ به ۴۵ است بنابراین در کشور کمبود نیروی متخصص زن احساس نمی شود و این در حالیست که وقتی پای تصرف کرسی های مدیریتی توسط متخصصان به میان می آید، ۸۳.۱٪ از قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران را مردان و ۱۶.۹ درصد از این کرسی ها به زنان اختصاص می یابد.

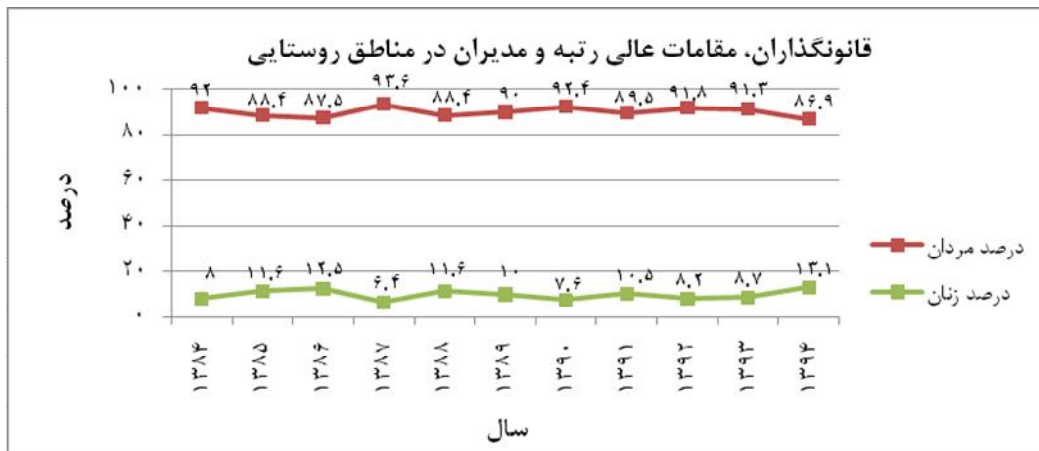
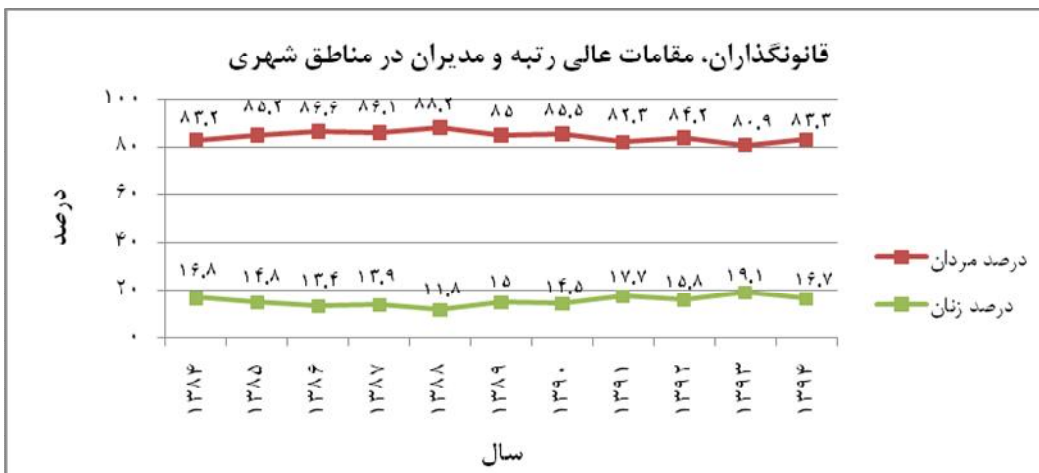
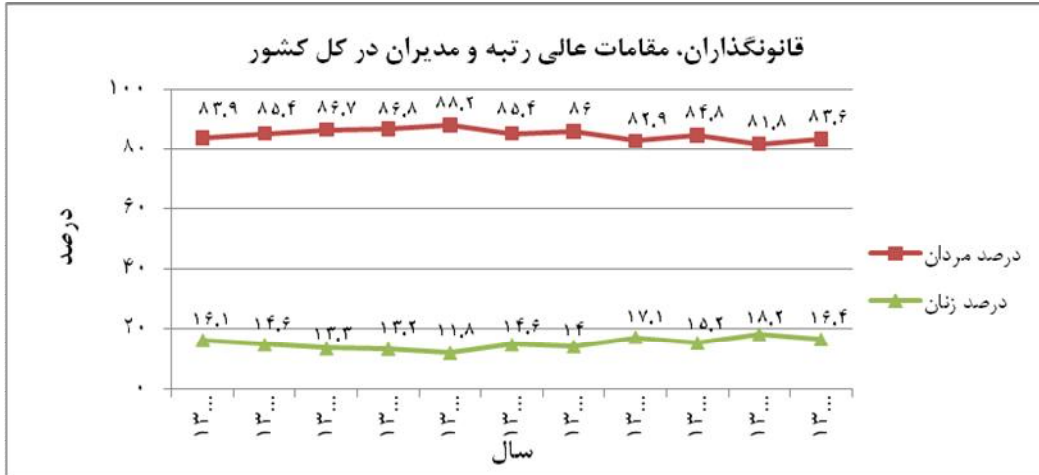
تعداد و سهم شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران طی سال های ۹۳-۱۳۸۴ به تفکیک جنس و مناطق شهری و روستایی

درصد زنان	زن	درصد مردان	مرد	مرد و زن	تعداد	شرح
۱۶.۱	۱۰۲۵۱۸	۸۳.۹	۵۳۴۱۴۳	۶۳۶۶۶۱	۱۳۸۴	کل سالهای برنامه چهارم
۱۴.۶	۸۸۶۶۸	۸۵.۴	۵۱۹۸۸۸	۶۰۸۵۵۶	۱۳۸۵	
۱۳.۳	۷۸۹۳۰	۸۶.۷	۵۱۴۲۰۳	۵۹۳۱۳۳	۱۳۸۶	
۱۳.۲	۶۵۷۵۸	۸۶.۸	۴۳۱۴۰۸	۴۹۷۱۶۷	۱۳۸۷	
۱۱.۸	۶۰۳۶۵	۸۸.۲	۴۵۱۱۴۸	۵۱۱۵۱۳	۱۳۸۸	

شرح	مرد وزن	مرد	درصد مردان	زن	درصد زنان
سالهای برنامه پنجم	۱۳۸۹	۴۹۷۹۷۸	۴۲۵۲۴۳	۸۵.۴	۷۲۷۳۴
	۱۳۹۰	۵۲۳۵۰۱	۴۵۰۴۰۷	۸۶	۷۳۰۹۳
	۱۳۹۱	۵۴۴۰۹۲	۴۵۱۰۹۱	۸۲.۹	۹۳۰۰۱
	۱۳۹۲	۶۱۷۲۰۶	۵۲۳۶۱۵	۸۴.۸	۹۳۵۹۱
	۱۳۹۳	۶۱۵۰۶۸	۵۰۳۰۶۹	۸۱.۸	۱۱۱۹۹۹
	۱۳۹۴	۶۶۰۹۵۷	۵۵۲۳۴۸	۱۰۸۶.۰۹	۸۳.۶
سالهای برنامه چهارم	۱۳۸۴	۵۸۴۷۹۵	۴۸۶۴۰۵	۸۳.۲	۹۸۳۹۰
	۱۳۸۵	۵۵۸۳۶۶	۴۷۵۵۲۸	۸۵.۲	۸۲۸۳۷
	۱۳۸۶	۵۴۲۷۵۷	۴۷۰۱۲۶	۸۶.۶	۷۲۶۳۱
	۱۳۸۷	۴۵۱۸۶۶	۳۸۹۰۰۱	۸۶.۱	۶۲۸۶۴
	۱۳۸۸	۴۷۴۱۶۷	۴۱۸۱۲۳	۸۸.۲	۵۶۰۴۴
	۱۳۸۹	۴۵۹۸۲۶	۳۹۰۹۲۵	۸۵	۶۸۹۰۰
سالهای برنامه پنجم	۱۳۹۰	۴۸۱۱۱۶	۴۱۱۲۳۴	۸۵.۵	۶۹۸۸۱
	۱۳۹۱	۴۹۶۸۳۶	۴۰۸۷۷۳	۸۲.۳	۸۸۰۶۳
	۱۳۹۲	۵۶۲۴۲۳	۴۷۳۳۴۲	۸۴.۲	۸۹۰۸۰
	۱۳۹۳	۵۶۴۳۱۷	۴۵۶۷۳۹	۸۰.۹	۱۰۷۵۷۸
	۱۳۹۴	۶۰۸۵۹۹	۵۰۶۸۴۶	۱۰۱۷۵۲	۸۳.۳
	سالهای برنامه چهارم	۱۳۸۴	۵۱۸۶۶	۴۷۷۳۸	۹۲
۱۳۸۵		۵۰۱۹۰	۴۴۳۶۰	۸۸.۴	۵۸۳۰
۱۳۸۶		۵۰۳۷۵	۴۴۰۷۶	۸۷.۵	۶۲۹۸
۱۳۸۷		۴۵۳۰۱	۴۲۴۰۷	۹۳.۶	۲۸۹۳
۱۳۸۸		۳۷۳۴۶	۳۳۰۲۵	۸۸.۴	۴۳۲۱
۱۳۸۹		۳۸۱۵۱	۳۴۳۱۸	۹۰	۳۸۳۳
سالهای برنامه پنجم	۱۳۹۰	۴۲۳۸۴	۳۹۱۷۳	۹۲.۴	۳۲۱۱
	۱۳۹۱	۴۷۲۵۵	۴۲۳۱۷	۸۹.۵	۴۹۳۷
	۱۳۹۲	۵۴۷۸۳	۵۰۲۷۲	۹۱.۸	۴۵۱۱
	۱۳۹۳	۵۰۷۵۰	۴۶۳۲۹	۹۱.۳	۴۴۲۰
	۱۳۹۴	۵۲۳۵۸	۴۵۵۰۱	۶۸۵۶	۸۶.۹

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج آمارگیری نیروی کار سال های ۹۳-۱۳۸۴

### درصد زنان مدیر، قانون‌گذار و دارای مقام‌های عالی رتبه - ۱۳۸۵-۱۳۹۴

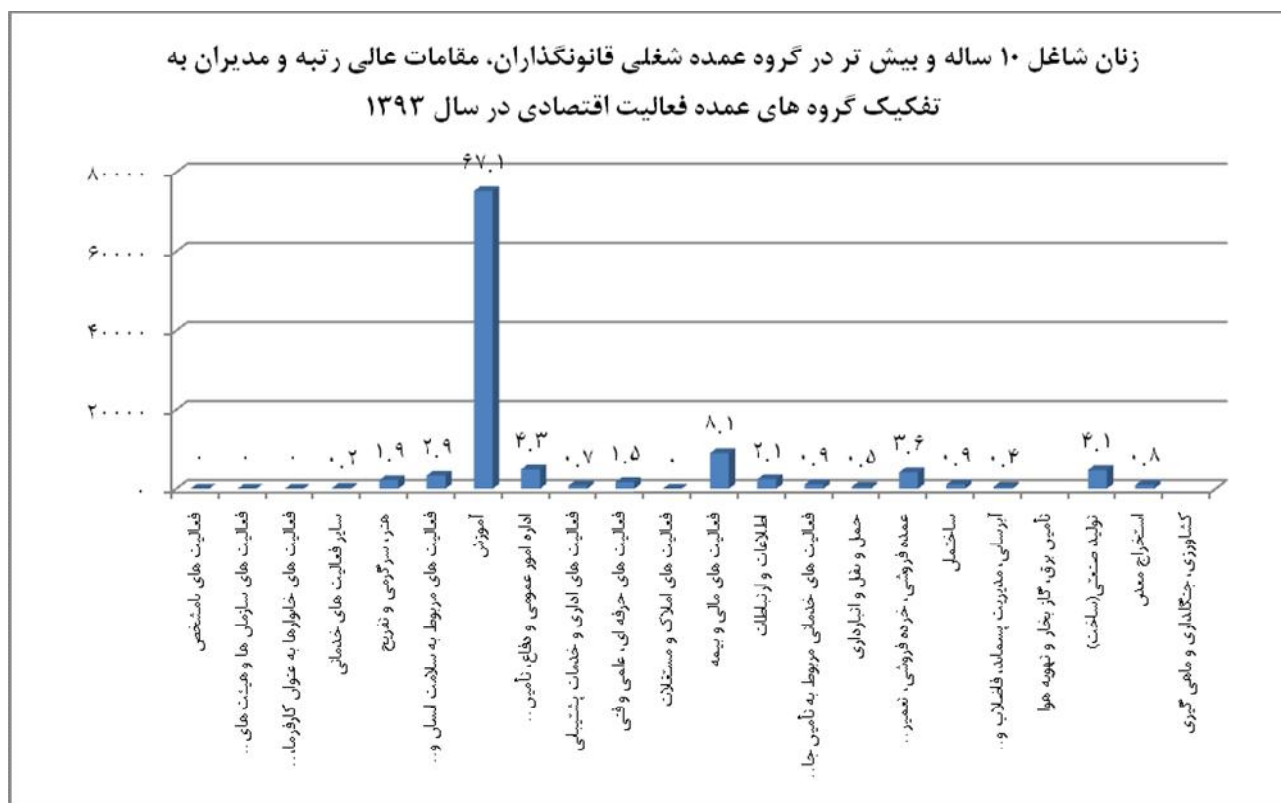


**۲-۱۲. سهم زنان در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران به تفکیک گروه های عمده فعالیت اقتصادی در سال ۱۳۹۳**

باتوجه به نتایج طرح آمارگیری نیروی کار، افراد شاغل در هر گروه عمده شغلی، در ۲۲ گروه عمده فعالیت اقتصادی به شرح موارد مندرج در جدول زیر، طبقه بندی می شوند. این قسمت گزارش جایگاه زنان در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران را به تفکیک ۲۲ گروه عمده فعالیت اقتصادی نشان می دهد.

در سال ۱۳۹۳، تعداد کل افراد شاغل در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران، ۶۱۵۰۶۸ نفر بوده که زنان تنها ۱۱۱۹۹۹ نفر از این گروه را تشکیل می دهند. به عبارتی سهم زنان از این گروه شغلی در کل کشور، ۱۸.۲ درصد<sup>۱</sup> می باشد. این سهم برای زنان شاغل در نقاط شهری، ۱۹.۱ درصد و زنان شاغل در نقاط روستایی ۸.۷ درصد می باشد.

همان طور که در جدول زیر مشاهده می شود، بیشترین تعداد زنان شاغل در گروه شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران، مربوط به گروه عمده فعالیت اقتصادی "آموزش" می باشند.



در سال ۱۳۹۳ تعداد ۱۱۱۹۹۳ زن شاغل ۱۰ ساله و بیش تر در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران در کشور فعالیت می کردند

۲. نسبت تعداد زنان شاغل در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران به تعداد کل افراد شاغل در این گروه عمده شغلی، ضربدر ۱۰۰.

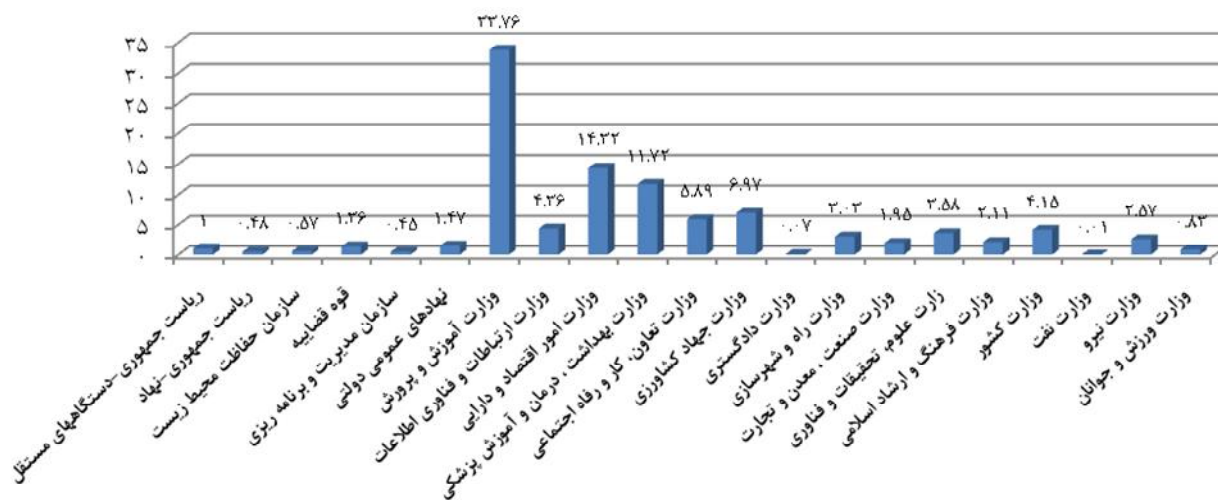
لازم به توضیح است اگر از تعداد افراد شاغل در گروه شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران که مربوط به گروه عمده فعالیت اقتصادی "آموزش" می باشند، صرفنظر کنیم، سهم زنان شاغل در گروه شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران، به ۷.۹ درصد کاهش می یابد.

سهم زنان و مردان در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران در شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر در کل کشور

بدون احتساب گروه عمده فعالیت اقتصادی "آموزش" در سال ۱۳۹۳

گروه های عمده شغلی	مرد و زن	مرد	درصد مردان	زن	درصد زنان
تعداد کل شاغلان ۱۰ ساله و بیش تر	۲۱۳۰۴۳۰۲	۱۸۲۰۵۰۰۱	۸۵.۴۵	۳۰۹۹۳۰۱	۱۴.۵۵
تعداد شاغلان در گروه عمده شغلی قانونگذاران، مقامات عالی رتبه و مدیران <b>بدون لحاظ بخش آموزش</b>	۴۶۷۸۵۹	۴۳۱۰۲۹	۹۲.۱	۳۶۸۳۰	۷.۹

نمودار درصد پراکندگی مدیران حرفه ای زن به تفکیک دستگاههای اجرایی



ماخذ: مرکز آموزش و پژوهش های توسعه و آینده نگری - بانک اطلاعات مدیران حرفه ای کشور - خرداد ۱۳۹۵

از طرفی نمودار درصد پراکندگی مدیران حرفه ای زن بر اساس وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی مستقل در خرداد ماه سال ۱۳۹۵، معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور نیز مؤید بالا بودن سهم زنان مدیر در بخش آموزش می باشد. همان طور که در نمودار فوق مشاهده می گردد، وزارت آموزش و پرورش با داشتن سهم ۳۳.۷۶ درصد، بیشترین سهم مدیران حرفه ای زن را در میان سایر وزارتخانه ها و دستگاه های اجرایی به خود اختصاص داده است.

۱۳-۲. توزیع اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به تفکیک جنسیت بر حسب مرتبه علمی ۱۳۸۹-۹۴

توزیع اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به تفکیک جنسیت ۱۳۸۹-۹۴

سال	کل (درصد)		
	جمع	مرد	زن
۱۳۸۹-۹۰	۱۰۰	۷۷.۲۶	۲۲.۷۴
۱۳۹۰-۹۱	۱۰۰	۷۷.۸۱	۲۲.۱۹
۱۳۹۱-۹۲	۱۰۰	۷۷.۱۸	۲۲.۸۲
۱۳۹۲-۹۳	۱۰۰	۷۶.۶۹	۲۳.۳۱
۱۳۹۳-۹۴	۱۰۰	۷۵.۷۲	۲۴.۲۸

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود حضور زنان هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ از روند روبه رشدی همراه بوده است



توزیع اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به تفکیک جنسیت و بر حسب مرتبه علمی ۱۳۸۹-۹۴

سال	استاد (درصد)			دانشیار (درصد)			استادیار (درصد)			مربی (درصد)			مربی آموزشیار (درصد)		
	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن	جمع	مرد	زن
۱۳۸۹-۹۰	۴.۲۴	۳.۸۷	۰.۳۷	۹.۰۳	۷.۷۴	۱.۲۸	۳۹.۳۹	۳۱.۵۶	۷.۸۳	۴۵.۰۱	۳۲.۵۸	۱۲.۴۳	۲.۳۳	۱.۵۱	۰.۸۲
۱۳۹۰-۹۱	۴.۲۳	۳.۹۲	۰.۳۱	۹.۴۸	۸.۱۶	۱.۳۲	۳۹.۶۳	۳۱.۸۳	۷.۸	۴۲.۹۱	۳۱.۴۸	۱۱.۴۲	۳.۷۴	۲.۴۲	۱.۳۲
۱۳۹۱-۹۲	۴.۳۹	۴.۰۵	۰.۳۳	۹.۹	۸.۵۶	۱.۳۴	۴۱.۳۱	۳۲.۷۶	۸.۵۵	۴۲.۳۳	۳۰.۴۴	۱۱.۸۹	۲.۰۷	۱.۳۷	۰.۷
۱۳۹۲-۹۳	۴.۶۳	۴.۲۹	۰.۳۴	۱۰.۳۱	۸.۸۹	۱.۴۲	۴۳.۳۱	۳۳.۸۷	۹.۴۴	۴۰.۷۹	۲۹.۰۲	۱۱.۷۷	۰.۹۶	۰.۶۲	۰.۳۴
۱۳۹۳-۹۴	۵.۲۸	۴.۸۲	۰.۴۶	۱۱.۷۶	۹.۹۱	۱.۸۴	۴۵.۰۵	۳۴.۰۸	۱۰.۹۷	۳۷.۲۳	۲۶.۳۷	۱۰.۸۶	۰.۶۹	۰.۵۵	۰.۱۴

با نگاهی به جدول توزیع اعضای هیأت علمی تمام وقت دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی بر حسب مرتبه علمی در سال ۱۳۸۹-۹۴ مشاهده می شود که بیشترین رشد حضور زنان طی پنج سال گذشته در مرتبه استادیاری بوده ، بر همین اساس بیشترین میزان فراوانی اعضای هیأت علمی زنان ابتدا در مرتبه مربی و بعد استادیار ، سپس دانشیار و بعد مربی آموزشیار و در آخر رتبه استادی می باشد.

## ۱۴-۲. وضعیت زنان از حیث شاخص مشارکت و توانمندی سیاسی در عرصه های بین المللی

### • مقایسه ایران با منتخبی از کشورها

با آغاز هزاره سوم میلادی توجه به مشارکت کلیه آحاد جامعه فارغ از تفاوت های فردی و اجتماعی بعنوان پیش شرط توسعه و پیشرفت ملل مورد تاکید جامعه جهانی قرار گرفت و از این مسیر برابری جنسیتی در عرصه های مختلف بعنوان یک استراتژی موثر مورد استناد قرار گرفت. اگرچه طی دو دهه اخیر ارتقا مشارکت زنان در مدیریت عرصه های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بعنوان ضرورت توسعه و پیشرفت جوامع مطرح شده، اما هنوز در بسیاری از این ابعاد بویژه مشارکت در قدرت و تصمیم گیری موانع جدی منجر به عدم تحقق مشارکت متوازن زنان در توسعه شده است. تاکید گسترده اسناد بین المللی همچون اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، سند پکن (۱۹۹۵) و کنوانسیون های مختلف بین المللی همچون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹)، کنوانسیون حقوق سیاسی زنان (۱۹۵۲) و نمونه متاخر آن بیانیه مشترک شصت و ششمین مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۲۰۱۱ بیانگر ضرورت و اهمیت توجه به «مشارکت سیاسی زنان بعنوان بنیان توسعه دموکراسی و ضرورت دستیابی به توسعه پایدار و صلح» است. این تاکید گسترده خود منجر به ارتقا جایگاه شاخص های جنسیتی مرتبط با مشارکت مدیریتی و تصمیم سازی زنان در برآوردهای توسعه ای کشورها در سطح بین الملل و در ارتباطی متقابل منجر به احصاء استراتژی، راهبرد و اقدامات اجرایی مختلف توسط دولت ها به منظور تامین و تضمین مشارکت زنان در عرصه قدرت و تصمیم گیری شد. در سطح بین الملل شاخص های مختلفی به منظور پایش کمی و کیفی مشارکت زنان در عرصه قدرت و تصمیم سازی مطرح و بر این اساس کشورها مورد ارزیابی و طبقه بندی قرار گرفتند. از مهمترین این شاخص ها میتوان به شاخص شکاف جنسیتی (مجمع جهانی اقتصاد از سال ۲۰۰۶) و شاخص نابرابری جنسیتی (توسعه ملل متحد از سال ۲۰۱۰) و یا شاخص برابری جنسیتی اتحادیه اروپا اشاره نمود. مهمترین ویژگی این شاخص ها بررسی کیفی حضور زنان در عرصه قدرت و تصمیم گیری است.

بررسی روند کشور ایران از سال ۲۰۰۶ در این شاخص نشان از شدیدتر شدن شکاف جنسیتی در ایران از سال پایه تاکنون دارد. بطوریکه ایران در سال ۲۰۰۶ در رتبه ۱۰۸ دنیا قرار داشت و در سال ۲۰۱۰ رتبه ۱۲۳ و در سال ۲۰۱۴ رتبه ۱۳۷ را کسب نمود. همانگونه که در نمودار مشخص است از سال ۲۰۰۶ تا کنون ایران در گروه کشورهای با شکاف زیاد جنسیتی قرار گرفته و عملا در میان ۴۲ کشور انتهای جدول با شکاف جنسیتی زیاد بوده است.



ماخذ: مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۴

لازم به ذکر است بررسی شاخص‌های مختلف شکاف جنسیتی (۲۰۱۴) بیانگر آنست که کشور ایران اگرچه در کاهش شکاف بین مردان و زنان در برخی حوزه‌ها همچون سلامت و آموزش به موفقیت‌های قابل‌تاملی دست‌یافته، اما عدم موفقیت در کاهش شکاف جنسیتی در سیاست منجر به افت رتبه ایران در بین کشورهای منطقه شده است. بر اساس این گزارش ایران با کسب رتبه ۱۳۷ از بین ۱۴۲ کشور دنیا در مجموع پنج کشور انتهایی جدول کاهش شکاف جنسیتی قرار گرفته است. بررسی دقیق‌تر این وضعیت نشانگر این است در حالیکه ایران از نظر سلامت در رده ۸۹ و از نظر آموزش در رده ۱۰۴ دنیا قرار دارد ولی، کسب رتبه ۱۳۹ در کاهش شکاف اقتصادی (دو کشور انتهایی جدول) و کسب رتبه ۱۳۵ در توانمندسازی سیاسی زنان (هشت کشور انتهایی جدول) منجر به کاهش رتبه کلی ایران در بین کشورهای آسیایی و کسب رتبه آخر در بین کشورهای با درآمد متوسط رو به بالا شده است.

#### وضعیت شاخص توانمندسازی سیاسی ایران در مقایسه با برخی کشورها

ابعاد								شاخص کشور
شاخص کلی شکاف جنسیتی		زنان در مقام وزارت		زنان در پارلمان		توانمندسازی سیاسی		
ارزش	رتبه	ارزش	رتبه	ارزش	رتبه	ارزش	رتبه	
۰/۵۵	۱۴۱	۰/۰۰	۱۳۸	۰/۲۶	۷۱	۰/۱۲۷	۸۵	پاکستان
۰/۶	۱۳۰	۰/۰۰	۱۳۸	۰/۰۲۵	۷۴	۰/۰۷۷	۱۱۷	عربستان
۰/۶۱	۱۲۵	۰/۰۴	۱۳۳	۰/۱۷	۹۸	۰/۰۸۸	۱۱۳	ترکیه
۰/۵۷	۱۳۹	۰/۱	۱۱۲	۰/۱۴	۱۰۷	۰/۰۶۶	۱۲۶	سوریه
۰/۶۲	۱۲۴	۰/۱۷	۸۰	۰/۱۱	۱۱۷	۰/۰۷۷	۱۱۶	بحرین
۰/۵۸	۱۳۷	۰/۱۱	۱۰۵	۰/۰۳	۱۳۳	۰/۰۳۷	۱۳۵	ایران
۰/۵۹	۱۳۵	۰/۰۰	۱۳۸	۰/۰۳	۱۳۱	۰/۰۱	۱۴۱	لبنان

ماخذ: مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۴ / گزارش شاخص شکاف جنسیتی

بررسی جایگاه ایران در گزارش ۲۰۱۵ شکاف جنسیتی نشان می‌دهد ایران همچنان در رتبه‌های پایین و در گروه کشورهای با شکاف بالای جنسیتی قرار دارد. شاخص توانمندسازی سیاسی به شکاف جنسیتی در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری سیاسی و از



طریق بررسی نسبت زنان به مردان در مؤلفه‌های موقعیت وزارتی، جایگاه پارلمانی و سنوات در اختیار داشتن مهم‌ترین مقام اجرایی (رئیس جمهور و نخست وزیر و ریاست دولت) در پنجاه سال گذشته، تعیین می‌شود.

#### شاخص مشارکت سیاسی

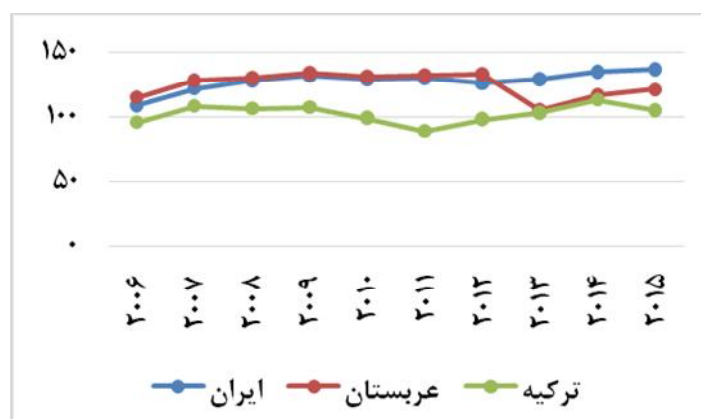
مردان	زنان	میانگین	امتیاز	رتبه	شاخص
		۰/۲۳	۰/۰۳۷	۱۳۷	مشارکت سیاسی
۹۷	۳	۰/۲۷	۰/۰۳	۱۳۹	زنان در پارلمان (درصد)
۹۰	۱۰	۰/۲۴	۰/۱۱	۱۱۴	زنان در مناصب وزارتی (درصد)
۵۰	۰	۰/۲	۰/۰۰	۶۴	سنوات در اختیار داشتن مهم‌ترین مقام اجرایی (۵۰ سال گذشته)

بررسی این شاخص در گزارش سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد ایران رتبه کلی ۱۳۷ را کسب نموده و در شاخص‌هایی همچون زنان در پارلمان رتبه ۱۳۹، در مناصب وزارتی رتبه ۱۱۴ و در شاخص مناصب مهم اجرایی رتبه ۶۴ را کسب نموده است (جدول شماره ۱۱). بررسی مقایسه ای شاخص مشارکت سیاسی ایران با عربستان و ترکیه نشان می‌دهد ایران در شاخص کلی از هر دو کشور ترکیه و عربستان شکاف جنسیتی بیشتری را تجربه میکند و از عربستان ۱۶ رتبه و از ترکیه ۳۲ رتبه پایین تر قرار گرفته است. بررسی ابعاد سه گانه این شاخص نشان می‌دهد در حضور زنان در پارلمان، ایران تفاوت معناداری با عربستان و ترکیه دارد؛ بطوریکه عربستان ۶۰ رتبه بالاتر از ایران و ترکیه ۵۳ رتبه بالاتر از ایران قرار گرفته است (جدول). این در حالی است که در شاخص مناصب وزارتی رتبه ایران از دو کشور عربستان و ترکیه بالاتر است و در ریاست دولت رتبه کشور ترکیه بالاتر است. در مجموع این شاخص‌ها می‌توان گفت عربستان بدلیل کسب سهم بالاتر حضور زنان در پارلمان توانسته شاخص کلی مشارکت سیاسی را بهبود داده و در نتیجه رتبه بهتری را در مجموع کسب کند.

#### شاخص مشارکت سیاسی بین ایران، عربستان و ترکیه

ریاست دولت	مشارکت سیاسی		زنان در پارلمان		زنان در مناصب وزارتی		رتبه
	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	مقدار	رتبه	
عربستان	۰/۰۷۷	۱۲۱	۰/۲۵	۷۹	۰	۱۴۱	۶۴
ترکیه	۰/۱۰۳	۱۰۵	۰/۲۲	۸۶	۰/۰۴	۱۳۹	۳۶
ایران	۰/۰۳۷	۱۳۷	۰/۰۳	۱۳۹	۰/۱۱	۱۱۴	۶۴

مقایسه وضعیت کاهش شکاف جنسیتی در حوزه سیاست بین ایران و ترکیه و عربستان طی سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵



بررسی وضعیت ایران در گزارش وضعیت نابرابری جنسیتی ۹ (۲۰۱۳) در جدول شماره ۳، نشان می‌دهد که کشور ایران با کسب رتبه ۱۰۹ و مشارکت پارلمانی زنان در سطح ۳/۱ درصد پایین‌تر از کشورهایی همچون ترکیه (۱۴/۲ درصد) و عربستان (۱۹/۹ درصد) و هم‌تراز با لبنان قرار گرفته‌است. این شاخص بصورت خاص حضور زنان در مجلس را مورد تاکید قرار می‌دهد و زنان در سطوح مدیریتی سازمانی و مدیران میانی را در محاسبه شاخص لحاظ نمی‌کند. هرچند این گزارش تاکید دارد که مشارکت زنان در قدرت در سطح جهانی حدود ۱۶٪ است و روند قابل توجهی را نشان نمی‌دهد ولی برخی از کشورها با اتخاذ استراتژی‌های ملی و مکانیسم‌های تضمینی موفق به کاهش این سطح از نابرابری‌ها و در نتیجه ارتقاء سطح نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌سازی در کشورهای خود شده‌اند.

وضعیت مشارکت زنان در پارلمان و شاخص کلی نابرابری جنسیتی ایران در مقایسه با برخی کشورها

شاخص کشور	مشارکت در پارلمان		شاخص کلی نابرابری جنسیتی	
	درصد زنان	رتبه	ارزش	رتبه
پاکستان	۱۹/۷	۱۲۷	۰/۵۶۳	
عربستان	۱۹/۹	۵۶	۰/۳۲۱	
ترکیه	۱۴/۲	۶۹	۰/۳۶	
لبنان	۳۸/۸	۸۰	۰/۴۱۳	
بحرین	۱۸/۸	۴۶	۰/۲۵۳	
ایران	۱/۳	۱۰۹	۰/۵۱	
عراق	۲۵/۲	۱۲۰	۰/۵۴۲	
افغانستان	۲۷/۶	۱۴۹	۰/۷۰۵	

مجمع جهانی اقتصاد ۲۰۱۴

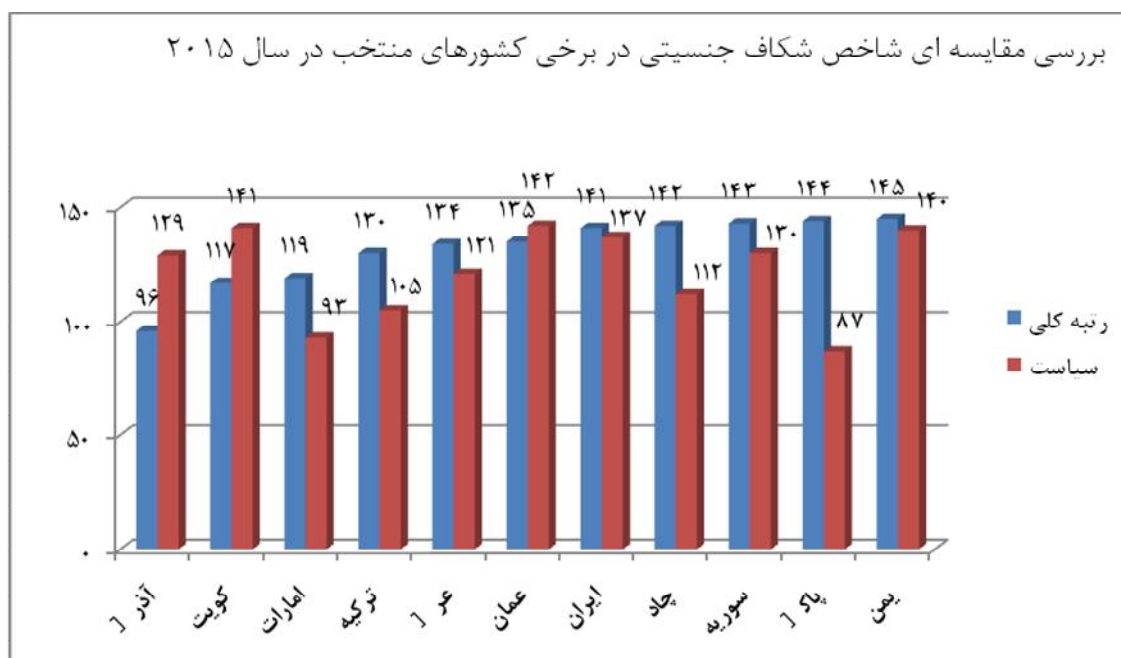
بررسی وضعیت مقایسه‌ای ایران با کشورهای مختلف بویژه در منطقه نشان می‌دهد ایران از نظر رتبه کلی نسبت به کشورهای همسایه همچون آذربایجان، کویت، امارات، ترکیه، عربستان و عمان در مقام پایین‌تری قرار گرفته است. بررسی کشورهایی که از

#### ۹. Gender Inequality Index

ایران در رتبه پایین‌تر قرار گرفته‌اند نشان می‌دهد که چاد از نظر اقتصاد و سیاست در رتبه بالاتر از ایران و پاکستان در بعد مشارکت سیاسی در رتبه بالاتر از ایران قرار دارد.

بررسی مقایسه‌ای شاخص شکاف جنسیتی در برخی کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۵

سیاست	رتبه کلی	
۱۲۹	۹۶	آذربایجان
۱۴۱	۱۱۷	کویت
۹۳	۱۱۹	امارات
۱۰۵	۱۳۰	ترکیه
۱۲۱	۱۳۴	عربستان
۱۴۲	۱۳۵	عمان
۱۳۷	۱۴۱	ایران
۱۱۲	۱۴۲	چاد
۱۳۰	۱۴۳	سوریه
۸۷	۱۴۴	پاکستان
۱۴۰	۱۴۵	یمن



بررسی برخی شاخص های فرعی نیز موید این است که وضعیت این کشورها در مقایسه با ایران بهبود نسبی دارد بطوریکه در امارات درصد زنان در پارلمان ۱۸ درصد و در موقعیت وزارت ۱۷ درصد است و این مقدار در ایران ۳ درصد برای پارلمان و ۱۰ درصد در موقعیت وزارت است.

### • جمع بندی

بررسی وضعیت ایران در شاخص شکاف جنسیتی نشان می دهد طبق گزارش سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸، با افزایش شاخص فاصله جنسیتی ایران از ۰/۵۸ به ۰/۶۰۲، این فاصله رو به کاهش بوده است. اما شاخص فاصله جنسیتی ایران در گزارش سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲ با تغییرات متناوب افزایشی و کاهشی مواجه و در سال ۲۰۱۲ میزان شاخص فاصله جنسیتی به ۰/۵۹۳ و در نهایت در سال ۲۰۱۵ به ۰/۵۸۰ رسیده است؛ یعنی کمتر از آنچه در گزارش ۲۰۰۸ اعلام شده بود. بنابراین تغییرات فاصله جنسیتی دهه اخیر ایران فاقد روندی ثابت است و نوعی عقب گرد، یا حداقل ایستایی از حدوداً میانه دهه گذشته در کاهش نابرابری های جنسیتی مشاهده می شود. ارزش ابعاد فرصت و مشارکت اقتصادی، و توانمندی سیاسی شاخص فاصله جنسیتی ایران در گزارشات ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵، کمتر از میانگین جهانی و ارزش ابعاد سلامت و بقاء و دستیابی آموزشی بیش از میانگین جهانی است.

روند تغییرات ابعاد چهارگانه شاخص فاصله جنسیتی ایران از ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵

گزارش سال	ارزش GGI	فرصت و مشارکت اقتصادی		دستیابی آموزشی		سلامت و بقاء		توانمندسازی سیاسی	
		ارزش	میانگین جهانی	ارزش	میانگین جهانی	ارزش	میانگین جهانی	ارزش	میانگین جهانی
۲۰۰۶	۰/۵۸۰	۰/۳۵۹	۰/۵۹۶	۰/۹۵۴	۰/۹۳۹	۰/۹۷۸	۰/۹۷۳	۰/۰۳۱	۰/۱۳۸
۲۰۰۷	۰/۵۹۰	۰/۳۹۵	۰/۵۷۷	۰/۹۵۸	۰/۹۱۶	۰/۹۷۸	۰/۹۵۸	۰/۰۳۱	۰/۱۴۲
۲۰۰۸	۰/۶۰۲	۰/۴۴۹	۰/۵۸۷	۰/۹۶۵	۰/۹۲۹	۰/۹۷۸	۰/۹۵۸	۰/۰۱۷	۰/۱۶۳
۲۰۰۹	۰/۵۸۳	۰/۳۷۷	۰/۵۹۴	۰/۹۶۴	۰/۹۳۰	۰/۹۷۸	۰/۹۶۰	۰/۰۱۷	۰/۱۶۹
۲۰۱۰	۰/۵۹۳	۰/۴۲۶	۰/۵۹۰	۰/۹۵۹	۰/۹۲۹	۰/۹۷۱	۰/۹۵۵	۰/۱۷۰	۰/۱۷۹
۲۰۱۱	۰/۵۸۹	۰/۴۴۴	۰/۵۸۸	۰/۹۲۵	۰/۹۳۰	۰/۹۷۱	۰/۹۵۶	۰/۰۱۷	۰/۱۸۵
۲۰۱۲	۰/۵۹۳	۰/۴۱۲	۰/۵۹۹	۰/۹۵۳	۰/۹۳۲	۰/۹۷۱	۰/۹۵۶	۰/۰۳۵	۰/۱۹۵
۲۰۱۳	۰/۵۹۳	۰/۳۵۶	۰/۵۹۹	۰/۹۷۱	۰/۹۳۲	۰/۹۷۱	۰/۹۵۶	۰/۰۳۴	۰/۱۹۵
۲۰۱۴	۰/۵۸۱	۰/۳۵۸	۰/۵۹۹	۰/۹۵۲	۰/۹۳۲	۰/۹۷۴	۰/۹۵۶	۰/۰۱۰	۰/۱۹۵
۲۰۱۵	۰/۵۸۰	۰/۳۸۷	۰/۵۹۲	۰/۹۵۴	۰/۹۴۶	۰/۹۷۱	۰/۹۵۷	۰/۰۳۷	۰/۲۳۰

مأخذ: گزارش فاصله جنسیتی سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۵ مجمع جهانی اقتصاد

ایران در هر ۵ شاخص توسعه جنسیتی، توانمندسازی جنسیتی، نابرابری جنسیتی، فاصله جنسیتی و فرصت های اقتصادی زنان در منطقه جایگاهی پائین تر از بحرین، امارات، عمان، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان دارد. سایر کشورهای منطقه به جز افغانستان، یمن و عراق حداقل در یک شاخص محاسبه شده جایگاهی بهتر از ایران یافته است. علاوه بر این در طی دهه ی گذشته بسیاری از کشورهای منطقه، حتی کشورهایی که هم اکنون جایگاهی پائین تر از ایران دارند با سرعتی بیشتر از ایران درصد کاهش نابرابری-

های جنسیتی برآمده‌اند. بنابراین در صورتی که با درایت بیشتری به مسئله نابرابری‌های جنسیتی توجه نگردد، جایگاه منطقه‌ای ایران در این زمینه بیش از پیش متزلزل می‌گردد و اهداف سند چشم‌انداز ۲۰ ساله محقق نخواهد گشت.

بررسی وضعیت شکاف جنسیتی در مشارکت سیاسی در ایران نشان می‌دهد کشور ایران با کسب رتبه ۱۰۹ و مشارکت پارلمانی زنان در سطح ۳/۱ درصد پایین‌تر از کشورهای همچون ترکیه (۱۴/۲ درصد) و عربستان (۱۹/۹ درصد) و هم‌تراز با لبنان و در گروه نابرابرترین کشورها در مشارکت سیاسی قرار گرفته است. این شاخص بصورت خاص حضور زنان در مجلس را مورد تاکید قرار می‌دهد و زنان در سطوح مدیریتی سازمانی و مدیران میانی را در محاسبه شاخص لحاظ نمی‌کند. بررسی دقیقتر شاخص‌ها نشان می‌دهد در حالیکه ایران در این شاخص رتبه ۱۳۳ را داراست کشورهای همچون عربستان در مشارکت زنان در پارلمان با کسب رتبه ۷۴ و کشور ترکیه با رتبه ۹۸ از ایران وضعیت بهتری دارند. به معنای دیگر کشور ترکیه در شاخص حضور زنان در پارلمان ۳۵ پله بالاتر و کشور عربستان ۵۹ پله بالاتر از ایران ایستاده‌اند.

بطور کلی بررسی شاخص‌های مربوط به توسعه انسانی و شکاف جنسیتی نشان می‌دهد، طی یک دهه گذشته ایران با عدم تغییر و نوآوری در برنامه‌های زیرساختی و بنیادین خود همچون آموزش، بهداشت، مشارکت اقتصادی و سیاسی ضمن حفظ شرایط موجود، تغییری در موقعیت خود ایجاد نکرد. این در حالی است که اکثر کشورهای همسایه که در دو دهه گذشته در رتبه‌های پایین‌تری نسبت به ایران قرار داشتند، تغییر موقعیت داده و فاصله معناداری با ایران پیدا کردند. در حالی که آموزش و بهداشت دو زیرساخت مهم توسعه‌ای در کشورها تلقی می‌شوند و ایران طی دو دهه گذشته سرمایه‌گذاری زیادی در آن انجام داده این سوال همچنان مطرح است که چرا این شاخص‌ها از نظر کیفی مورد توجه سیاستگذاران قرار نگرفته و به حفظ وضع موجود بسنده شده است؟ از سوی دیگر بررسی تجارب عربستان نشان می‌دهد تغییر در دو شاخص اقتصاد و سیاست می‌تواند نقش مهمتری در کاهش شکاف جنسیتی ایفا کند، بطوریکه با افزایش حضور زنان در پارلمان و مشارکت اقتصادی زنان شاخص کلی توسعه تغییر بیشتری را تجربه نموده و در مجموع این دو شاخص نقش مهمتری در کاهش شکاف جنسیتی دارند. ذکر این نکته نیز ضروری است که کشورهای با رتبه پایین‌تر از ایران در برخی شاخص‌های اصلی رتبه‌های بالاتری دارند. در شاخص اقتصاد وضعیت چاد از ایران بهتر و ۶۴ رتبه از ایران بالاتر است. در شاخص آموزش وضعیت سوریه با اختلاف سه رتبه‌ای، در شاخص سلامت ایران از هر چهار کشور بالاتر و در حوزه سیاست ایران از سه کشور چاد و سوریه و پاکستان پایین‌تر و فقط از یمن رتبه بالاتری دارد. این امر نشان می‌دهد (نمودار ۷) رقابت ایران با این کشورها بسیار نزدیک بوده و در صورت بهبود در یکی از شاخص‌های سیاست، سلامت، اقتصاد و آموزش در یمن، پاکستان، سوریه و چاد رتبه آنها افزایش یافته و ایران طی سال‌های آتی تنزل جدی‌تری تجربه نماید.

#### • تحلیل/پیشنهادات

➤ طی دو دهه اخیر توجه به برنامه ریزی جنسیتی و توجه جدی به موضوع جنسیت در برنامه‌های ملی در اکثر کشورهای جهان منجر به ارتقا سطح توسعه کشورها و کارآمد شدن نتایج حاصل از برنامه‌ها است. یکی از مهمترین ابزارهای کارآمدی در ارائه برنامه‌های موثر ارائه داده‌ها و تحلیل دقیق از شاخص‌های موجود است. بر این اساس آمار و اطلاعات به عنوان یکی از مهمترین عناصر شکل‌دهنده برنامه ریزی موثر و مبتنی بر شواهد تلقی می‌شود و قبل از هر چیز وجود آمار و اطلاعات به تفکیک جنس و گروه‌های سنی ضروری است. یکی از مهمترین چالش‌های برنامه ریزی جنسیتی در کشور ایران عدم ارائه تحلیل‌های جنسیتی و داده‌های مبتنی بر شواهد در حوزه‌های محوری توسعه است. به طوری که

در بسیاری از حوزه ها امار به تفکیک جنس وجود ندارد و لازم است شاخص های حداقلی جنسیتی که مرکز آمار سازمان ملل در سال ۲۰۱۳ و متعاقب آن در سال ۲۰۱۵ برای آسیا و اقیانوسیه معرفی کرده است در آمارگیری ها و سرشماری ها لحاظ شود. این امر در دویعد داخلی و ملی حائز اهمیت خواهد بود. از بعد ملی این داده ها منجر به افزایش سطح اثربخشی برنامه ها و افزایش جایگاه داده محوری در برنامه ها خواهد شد و در بعد بین المللی نیز در محاسبه شاخص های جنسیتی منجر به افزایش روایی و قطعاً ارتقا سطح شاخص ها خواهد شد. بنابراین ارائه آمارهای به روز به مجامع جهانی منجر به انعکاس چهره واقعی ایران خواهد شد. در این شاخصها درباره ای از موارد اطلاعات به روز نمی باشد. مثلاً برای ایران هنوز در گزارش سال ۲۰۱۴ میزان مرخصی زایمان ۹۰ روز درج شده است. پس لازم است متولیان امور در این زمینه بطور مرتب اطلاعات به روز را در اختیار سازمانهای ذیربط قرار دهند. به روز بودن داده ها و شواهد نقش موثری در بازتاب دستاوردهای کشور هم در سطح ملی و هم بین المللی خواهد داشت و توجه به آن باید از ضروریات برنامه ریزی های ملی تلقی شود.

➤ رتبه بسیار پایین ایران در این شاخص مسلمان نمایانگر واقعی وضعیت زنان در ایران نمی باشد. طبق آخرین گزارش در سال ۲۰۱۵ رتبه ایران در شاخص فاصله جنسیتی ۱۴۱ از مجموع ۱۴۵ کشور بوده است. اگر چه این شاخص ادعا دارد که نابرابری و فاصله را می سنجد نه سطح توسعه را باز هم اینکه ایران بین بدترین ۵ کشور جهان در موضوع نابرابری بین زن و مرد باشد به نظر همراه کننده می باشد. البته آنچه طراحان این شاخص در مقدمه گزارش بیان کرده اند این است که سعی شده وزن شاخص بیشتر روی معیارهایی قرار گیرد که نابرابری بیشتر وجود دارد یعنی تمام چهار حوزه مورد بررسی از یک وزن در ساختن رتبه هر کشور برخوردار نیست، چون هدف طراحان شاخص کمک به دست اندر کاران برای طراحی سیاستها و برنامه هایی برای کاهش نابرابری بوده است.

➤ یکی دیگر از چالش ها در این عرصه تفاوت مفهومی و ساختاری در برداشت از واژه هایی است که بعنوان شاخص بررسی و طبقه بندی کشورها مورد توجه قرار می گیرد. در ادبیات شاخص های توسعه مفهوم برابری جنسیتی از مفروضات نظری این شاخص ها است و این در حالی است که در ایران چالشهای عمیق وریشه داری بین دانشگاهیان، حوزه های علمی، جامعه مدنی، بخشهای مختلف دولت و نهادهای قانونگذاری و قضاییه... بین مضمون، ساختار و مصادیق آن وجود دارد. به طوری که برابری کامل که در این شاخص بالاترین رتبه و ارزش را دارد، در ایران بطور اجماع پذیرفته نیست و اینکه برابری جنسیتی در همه شرایط آیا منجر به بهبود وضعیت خواهد شد و اینکه آیا تحقق برابری جنسیتی متضمن رفاه و توسعه و حل مشکلات خواهد بود از جمله این چالش هاست. از منظری دیگر نیز اهمیت حضور و مشارکت زن و مرد در عرصه های مختلف زندگی اجتماعی و خانوادگی باید مورد توجه قرار گیرد و با صرف حضور زنان در عرصه عمومی نمی توان به رشد و پیشرفت غایی رسید. همان قدر که حضور زنان در فضای عمومی در کاهش نابرابری اهمیت دارد، حضور پررنگ مردان در فضای خصوصی و همکاری و مشارکت آنها در مسئولیت های خانوادگی آرامش و آسایش را برای خانواده در پی خواهد داشت.

➤ در حالی که فرض برابری جنسیتی در جامعه کنونی ایران عموماً پذیرفته نیست که به نظرمی رسد پایین بودن شاخصها در ایران نیز بر این اساس توجیه می شود پس باید بر مبنای مفروضات دیگری شاخص های حداقلی برای نابرابری جنسیتی در سطح ملی تدوین کرد و برنامه های توسعه ای ملی برای ارتقای آنها و بهبود وضعیت زنان تدوین و اجرای آن را نظارت و ارزیابی کرد. از طرف دیگر به نظر می رسد متغیرهای مورد استفاده در این شاخص به تنهایی بیانگر وجوه مختلف

زندگی زنان در ایران نمی باشد و برای درک واقعی وضعیت لازم است متغیرهای دیگری که نمایانگر وجوه اجتماعی و فرهنگی زندگی زنان است، معرفی شود. مثلا اگر در ایران خانواده از اهمیت خاصی برخوردار است پس شاخصهایی برای سنجش استحکام خانواده، نقش زن در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و اقتصادی خانواده، نرخ طلاق، امنیت اجتماعی زنان در خانواده، تعداد زنان سرپرست خانوار و... تدوین شود. از آنجا که در همه جوامع نقش مادری از زندگی زنان غیر قابل تفکیک است و در اینگونه شاخصها هیچ اثری از این وجه بارز زندگی زنان نیست، تدوین شاخصهایی در این زمینه با کمک دانشگاهیان و ارایه آن به نهادهای متولی جهت گنجاندن آنها در شاخصهای جنسیتی می تواند راهگشا باشد.

➤ بازنگری در قوانین، مقررات، سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات اجرایی با منظور گرفتن بعد جنسیت می تواند در اثربخشی برنامه ها موثر و همچون آماده‌سازی زمینه‌ها و زیرساخت‌هایی که امکان و فرصت برابر مشارکت زنان و مردان را فراهم سازد الزامی است.

➤ عزم و اراده سیاسی دولتمردان در همه ارکان حکومت ضروری است تا جریان‌سازی موضوعات جنسیتی و کاهش فاصله جنسیتی بعنوان موضوع الویت‌دار ملی تلقی شود و از آنجا که موضوع مربوط به نیمی از جمعیت کشور است در دستور کار تمام وزارتخانه قرار گیرد و این مهم به مرجع ملی امور زنان (معاونت امور زنان و خانواده ریاست جمهوری) محدود نشود.

➤ تجارب بین‌المللی در حوزه زنان به ویژه در کشورهای اسلامی نشان می دهد که مرجع ملی نقش مهمی در جریان سازی جنسیتی، رصد، پایش و در نتیجه ارائه سیاست و راهبردهای موثر دارد. با این وصف توجه جدی به مرجع ملی امور زنان در ایران، اصلاح ساختار به منظور تقویت جایگاه حقوقی و قانونی آن، افزایش منابع مالی و بودجه، به کارگیری نیروی انسانی متخصص و کارآمد نقش موثری در ارتقا جایگاه زنان در چرخه توسعه و پیشرفت کشور خواهد داشت.

➤ افزایش و ارتقای تشریک مساعی بین دست اندر کاران و سیاستگذاران حوزه زنان می تواند نقش مهمی در اثربخشی برنامه ها داشته باشد. اگر چه حکومت به معنای کلی شامل دولت، مجلس و قوه قضاییه؛ نقش بسیار مهمی در توانمندسازی زنان و کاهش فاصله جنسیتی و دسترسی زنان و مردان به فرصتهای برابر دارند اما همکاری و هم افزایی سایر بخشها از جمله بخش خصوصی و جامعه مدنی شامل دانشگاهیان و گروههای مطالعاتی و تحقیقاتی، سازمانهای غیر دولتی بخصوص سازمانهای زنان، و رسانه ها بسیار حیاتی است.

➤ تلاش همه جانبه دست اندر کاران بخصوص رسانه ها در جلب مشارکت، همکاری، همدلی و همراهی همه مردان (اعم از برادران، پسران، همسران، پدران، مدیران، همکاران) در فرایند رفع نابرابری و تبعیض و خشونت علیه زنان بسیار اثربخش خواهد بود.

➤ ارتقای جایگاه زنان در نظام تصمیم سازی از دیگر راهبردهای موثر در نقش آفرینی زنان در کشور خواهد بود و به نظر می رسد در نظر گرفتن یک آستانه ۳۰ درصدی به عنوان سهم حداقلی زنان در موقعیت‌های تصمیم‌گیری در سطح ملی می تواند رویکرد موثری در این روند باشد.

### ۳: اهم اقدامات انجام شده:

#### ۳-۱. اقدامات انجام شده در راستای عملیاتی نمودن برنامه جامع توسعه امور زنان و خانواده (مصوب هیات وزیران در سال ۱۳۹۲)

- تشکیل کارگروه مدیریت و مشارکت سیاسی و اجتماعی متشکل از پژوهشگران و فعالان دانشگاهی و سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی با هدف استفاده از تجارب و دیدگاه‌ها و ارائه راهکار و برنامه در موضوع ارتقاء مشارکت زنان؛ (اتاق فکر)
- اجرای دو دوره آموزشی ارتقاء مهارت‌های علمی و عملی حضور زنان در مجامع بین‌المللی برای مدیران دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های مردم‌نهاد؛
- حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی در موضوع ارتقاء وضعیت زنان که از جمله طرحی با عنوان بررسی تأثیر پشتیبانی نهادها و شبکه‌های حمایتی در ارتقاء زنان در سطوح عالی مدیریت سیاسی در ایران در دستور کار قرار دارد؛
- انعقاد تفاهم‌نامه همکاری سه‌جانبه با وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری و معاونت علمی و فن‌آوری رییس‌جمهور که از جمله محورهای آن ارتقاء توانمندی‌های زنان مدیر می‌باشد.
- آموزش ۲۲۵۰ نفر از زنان مدیر و مسئول استانها در سراسر کشور از طریق حمایت از طرح توان‌افزایی زنان مدیر و مسئول استانها با برگزاری کارگاه آموزشی "ارتقاء مدیریت" برای مدیران دولتی، اعضای شورای شهر و روستا، شهرداران و دهیاران زن در استان‌های کشور. (در دست انجام)
- راه‌اندازی سامانه الکترونیکی بانک جامع اطلاعاتی زنان کشور
- پیگیری انتصاب زنان در مناصب مدیریتی و زمینه‌سازی آن از طریق:
  - درخواست صدور دستور در خصوص بررسی موضوع اختصاص درصدی از سهمیه مشاغل مدیریتی به زنان و ضرورت افزایش همه‌ساله و نظارت بر عملکرد دستگاههای اجرایی (در دستور کار کمیسیون امور اجتماعی دولت)
  - پیشنهاد اختصاص پست‌های مدیریتی بلاتصدی دستگاه‌ها به زنان متخصص و توانمند در شورای عالی تحول اداری
  - درخواست صدور دستور برای طرح مجدد و تصویب موضوع فراهم نمودن فرصت‌های برابر در انتصاب پست‌های مدیریتی زنان در شورای عالی تحول اداری
  - درخواست لحاظ «اختصاص سالانه حداقل ۱۰ درصد از پست‌های مدیریتی بلاتصدی دستگاهها به زنان متخصص توانمند و شایسته» در پیش‌نویس برنامه جامع اصلاحات اداری دولت یازدهم
  - مکاتبه با سازمان مدیریت جهت تصویب موضوع اختصاص درصدی از سهمیه مدیریت زنان در شورای عالی تحول اداری
  - پیگیری تعیین درصد و شاخص کمی جهت افزایش تعداد مدیران زن در برنامه جامع دو ساله اصلاح نظام اداری کشور
  - درخواست اتخاذ تدابیر لازم جهت افزایش تدریجی تعداد زنان در مجلس شورای اسلامی و شوراهای اسلامی شهر و روستا در سیاست‌های کلی انتخابات از مجمع تشخیص مصلحت نظام
  - ارائه پیشنهاد در زمینه اختصاص درصدی از سهمیه مشاغل مدیریتی به زنان و ضرورت افزایش همه‌ساله و نظارت بر عملکرد دستگاههای اجرایی و ارجاع پیشنهاد این معاونت از سوی معاون اجرایی رییس‌جمهور به رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور جهت ابلاغ به وزارتخانه‌ها و دستگاههای اجرایی



#### ۴ : الزامات برای تغییر در وضع موجود و توسعه مشارکت زنان در نظام تصمیم گیری و مدیریتی

- ارتقا توانایی‌ها و مهارت‌های علمی، تخصصی، مدیریتی زنان مدیر، نخبه و فرهیخته در سطح عالی، میانه و پایه در ابعاد ملی و بین‌المللی از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی
- معرفی زنان مدیر، نخبه و فرهیخته در عرصه‌های ملی و بین‌المللی به منظور حضور فعال و موثر
- تشویق و حمایت از حضور فعال زنان مدیر و فرهیخته در سطوح عالی، میانی و پایه در هر سه قوه، دانشگاه‌ها، بخش غیر دولتی، خصوصی و تشکلهای مختلف
- اتخاذ تمهیدات مناسب جهت نخبه‌شناسی، استعدادیابی و نخبه‌پروری از میان زنان تحصیلکرده و صاحب فکر
- هماهنگی لازم بین نهادهای سیاست‌گذار و مجری در مدیریت مسائل شهری و روستایی
- تقویت ارتباط اثربخش نهادهای متولی مدیریت شهری و روستایی با دست‌اندرکاران حوزه‌ی زنان و خانواده
- توسعه کمی و کیفی پژوهش‌های مرتبط با موضوع مدیریت زنان در عرصه‌های ملی و بین‌المللی
- توسعه انجمن‌ها و شبکه‌های علمی زنان نخبه و افزایش نقش آن‌ها در فرایندهای سیاست‌گذاری و اجرایی از طریق تعامل مراکز علمی و سیاست‌گذاری تاثیرگذار در این انجمن‌ها و شبکه‌ها
- زمینه‌سازی نهادی و سازمانی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های زنان مدیر، نخبه و فرهیخته با توسعه شبکه‌ها و انجمن‌ها
- حمایت از توسعه و تقویت سازمان‌های مردم‌نهاد به مدیریت زنان و یا با هدف توانمندسازی زنان
- ایجاد بانک اطلاعاتی جامع زنان مدیر و نخبه به منظور استفاده از توان مدیریتی زنان حسب نیاز
- ضرورت توجه به نظام جامع آماری در مدیریت شهری و روستایی و لزوم تجمیع داده‌های آماری از کانال مرکز آمار ایران به عنوان مرجع اصلی جمع‌آوری آمار کشور به منظور اطمینان از صحت و سقم اطلاعات آماری و همچنین سرعت و سهولت دسترسی به داده‌های آماری